

کارگردانی امیر

لشريه، انترا سيونال یونیورسٹی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol.4, No.38, July 1993

سال چهارم، شماره ۳۸، تیر ۱۳۷۲

گونته والاف یکی از سرشناس ترین روزنامه نگاران جهان در گفتگو با کارگر امروز:

در اعماق

فیلم درباره گارگران مهاجر ایرانی در ڈاپن

گوتنر والراف در نقش علی علوی
کارگر مهاجر ایرانی در ژاپن با
یک دوربین مخفی فیلمی از
شرایط کار کارگران مهاجر ایرانی
در ژاپن تهیه کرده است که در
ماه مه امسال از تلویزیون دولتی
ژاپن پخش شد. کارگر امروز بدین
مناسبت با وی گفتگویی داشته
است که در این شعاره میخواهد.
وی قبل از نیز کتابی به همین نام
(در اعماق) درباره اوضاع
کارگران ترک در آلمان نوشته
است که در واقع سرنوشت زندگی
دو ساله خود او در نقش علی
کارگر ترک بود.



حاکمان کردستان عراق در اولین رویارویی با اتحادیه بیکاران با شکست مواجه شدند

مرکز خبری کارگاه امنیتی دولت و حاکمان کردستان عراق در اولین رویارویی خود با اتحادیه بیکاران با شکست مواجه شدند. حمله دولت که به متظاهر چلوبگیری از برگزاری تظاهراتی که توسط اتحادیه بیکاران فراخوان داده شده بود، با مقاومت کارگران و زحمتکشان کردستان روپرورد و دولت پیش از خواستهای اتحادیه بیکاران را پذیرفت و دستگیر شدگان را آزاد کرد. بدینوال عدم رسیدگی به درخواستهای اتحادیه بیکاران کردستان و به نتیجه نرسیدن چنین بار مذاکره این اتحادیه با حاکمان کردستان،

موج ۴۰۹ کارگر در اسپانیا

تصویب قوانین اینستی محیط کار بشدت
انتقاد کرد. تعداد کارگران کشته شده در
مقایسه با دوره مشابه در سال گذشته
۱/۳ درصد افزایش یافته است.
طبقه ۵ سال گذشته در اسپانیا ۱۳ میلیون
حادثه در محیط های کار به ثبت رسیده
که منجر به ۱۶۲۷۸ مورد مرگ و
هزار مورد تعصّب عضو شده است.
مرکز خبری کارگر اصریز: در طی سه ماه اول سال جاری در
اسپانیا ۴۰۹ نفر در اثر سوانع کار جان
خود را از دست دادند.
به گزارش نشریه اسپانیایی گل پائیس،
هیئت بهداشت کار در کمیسیون کارگران با
انتشار گزارشی از دولت سوسیالیست اسپانیا
پغاضت عمل نکردن به وضع خود در مورد

۸ ساعت کار و ۲۰٪ آنکه نا دستماید ۸ ساعت کار

١٢

درآورده. این گزارش در عین حال به رقم کارگرانی که ناپدید، سوازانده شده و یا تورود می‌شوند هیچ اشاره‌ای نمی‌کند. تعداد کسانی که تحت بیکاری و مورد شکنجه قرار می‌گیرند و نیز تعداد اعدامها داشما در حال افزایش است. این گزارش تعداد کسانی را که بد لیل مبارزه برای یک زندگی انسانی شغلشان را از دست داده‌اند ۴۰ هزار نفر قید کرده است. تاکنون ۸۷ کشور حقوق شناخته شده بین اصلی کارگران را زیر پا گذاشته‌اند. ۱۱ کشور جزو خطرناک ترینها هستند. این کشورها عبارتند از: آفریقای جنوبی، برمه، چین، کلمبیا، السالوادور، گواتمالا، مالیوی، پرو، سودان و ایران.

واقعیت موجود در مورد فعالین کارگری نشان می‌دهد که پروسه دمکراتیزه کردن برخی از این کشورها نه تنها به بهتر شدن اوضاع کارگران مکمک نکرده است، بلکه مشکلات بمراتب بدتری گردانگر آنهاست.

مهدی آردی

گزارش سالانه کنفرانسیون بین المللی اتحادیه‌های آزاد با اشاره به بخشی از واقعیات و اقدامات سرکوبگرانه در مورد فعالین کارگری در کشورهای مختلف از ۱۱ کشور نام می‌برد. ایران در رده این کشورها قید شده است. مطابق این گزارش هنوز هم در کشورهای مختلف دنیا کارگران بخاطر دفاع از حقوقشان شکنجه، زندانی و اعدام می‌شوند. خیلی از کارگران بدليل دفاع از شرایط کاری بهتر شغلشان را از دست داده، تعییر شده و شخصیت آنها توسط عوامل رژیمها و با آخرين متدهای شکنجه در هم کوییده می‌شود.

بنایه معین گزارش در سال گذشته ۲۶۰ فعال کارگری توسط رژیمها و سازمان مخفی آنها بقتل رسیده و ۲۵۰ نفر دستگیر شده‌اند. در اکثر این موارد مجرمین حتی تحت بیکاری قانونی نیز قرار نگرفته‌اند. ناگفته بیداست که گزارش این سازمان تنها به مواردی اشاره می‌کند که تاکنون قابل ثبت بوده‌اند. رقم دقیق کشدار کارگران را باید از اسناد سازمانهای مخفی،

اعتراض پیروز کارگران کارخانه های آبجوسازی در کلمبیا



نشکیل اتحادیه کارگری جدید در رومانی

تفاوت دستمزد بین زنان و مردان و ساخت اشتغال

١٠ ذخیره

قرار است با به هم پیوستن دو اتحادیه کارگری بزرگ رومانی اتحادیه جدیدی تشکیل شود که بیش از ۳/۷ میلیون کارگر یعنی یک سوم کل نیروی کار این کشور را نمایندگی کند. تصمیم به ایجاد اتحادیه جدید بدبانی شکست کارگران در پرگزاری یک اعتراض سراسری در ماه گذشته بدلیل اختلاف نظر میان اتحادیه ها اتخاذ شد.

جایگاه هفتمین کنفرانس "لیبر نتز" در جنبش کارگری آمریکا
نشویه "لیبر نتز" در خدمت پادشاهان تاریخ

سُفْرَة

کاربرد اسناد سازمان جهانی کار در فعالیت کارگری

بوزیر منع آنها از ایجاد سازمانهای کارگری تحت نفوذ خویش است. علاوه بر این، طبق قرارداد ۹۸ باید تدبیری در جهت روشایی برای انعقاد قراردادهای مستحب و مذکور حول دستمزدها و شرایط کار اتخاذ شود.

بدینه بودن این قراردادها از طرف هیئت اجرائی سازمان جهانی کار فروپرسیت شناخته شد و به معین منظور کمیسیون مشکل از سه نماینده کارگران، سه نماینده کارفرمای و کارفرمایی پیوسته به حقوق مندرج در این قراردادها کامند و چگونه به آزادیهای اتحادیهای کمک می‌کنند؟ گوی رایسر از طرف کنفرانس‌سازنده‌ی سازمان جهانی از آزاد در زن توپیخ می‌دهد:

نماینده ۹۹ کشور قرارداد مصوبه سال ۱۹۴۸ سازمان جهانی کار در مورد آزادی تشکل و پیشیبانی از آن را امضا کرد. این سند جزو اسنادی است که اکثر کشورهای عضو آی‌الاو آنرا امضا و پذیرفته اند.

یک ویوگی این کمیسیون را از بقیه دستگاه کنترل آی‌الاو جدا می‌کند. برخلاف دیگر ارگانهای تحت کنترل آی‌الاو، این کمیسیون قادر است به شکایاتی که از دولتهاش غیر امضا کننده قراردادهای ۸۷ و ۹۸ می‌رسد نیز رسیدگی کند. این قراردادها آنچنان از اهمیت پرخواهاند که دولتهاش تنها به خاطر عضویت در آی‌الاو خود را مجبور به رعایت مفاد این قراردادها می‌بینند.

این کمیسیون طی ۴۰ سال گذشته به ۱۷۰۰ مورد شکایت از دولتها رسیدگی کرده است. اکثربی قریب به اتفاق این شکایات توسط اتحادیه‌ها و سازمانهای ملی و یا بین‌المللی آنها صورت گرفته است.

این کمیسیون طی مدت فعالیتش یک سیستم حقوقی ایجاد کرده است که اصول عملی و منفذ قراردادهای ۸۷ و ۹۸ و پیاده کردن این مفاد در عمل را بطور دقیق روشن می‌کند.

تنها چیزی که این کمیسیون قادر به انجامش نیست و نخواهد بود، حل تمام مسائلی است که اتحادیه‌ها با آنها درگیرند. علیرغم این، کمیسیون مربوطه ایزار کاملاً مناسبی است که ارزش آن برای سازمانهای که در موارde پیشمار مورد همیش قرار گرفتارند، روشن است. کنفرانس‌سازنین بین‌المللی ۸۷ تصویب شد. این قرارداد تاکنون از طرف ۱۱۶ کشور به امضا رسیده است. مضمون آن دفاع از اتحادیه‌ها در مقابل دولتهاش بین‌المللی پیوستند.

- دنگی بیکاران (صدای بیکاران) ارگان اتحادیه بیکاران کردستان عراق شماره های ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷

کمکهای مالی دریافتی

احمد هدایت ۲۰۰ کرون، غلام قاسم نژاد ۱۰۰ کرون، غفار و شیرین غلام ویس ۱۰۰ کرون، اسی ۲۱ مارک، نو دیتین ۱۰ مارک، صمد جلالی ۱۰۰ مارک فنلاند، محسن ابراهیمی ۱۰۰ دلار.

قابل توجه ناشر کتاب "تاریخچه فرقه جمهوری اقلایی ایران"

در شماره ۳۷ کارگر امریز مطبوع درباره کتاب تاریخچه فرقه جمهوری اقلایی ایران و گروه اراثی "نوشته حمید احمدی بیانی رسید. تعدادی از خوانندگان نوشته برای دریافت این کتاب به حساب بانک درج شده در کارگر امریز پول واریز کرده اند و رسید آنرا به آدرس ناشر در آستان ارسال داشته اند اما نامه ها برگشت خورده است. از ناشر تقاضا داریم تا ادرس دیگری در اختیار ما بگذارد تا آنرا به اطلاع خوانندگان خود برسانیم.

بیکارسازیها در ایران گسترش می‌یابد

از نشریه: جهان اتحادیه های آزاد، نشریه کنفرانس‌سازنین بین‌المللی اتحادیه های آزاد ترجمه: مهدی آردی

بیکارسازیها از این اطراف و رایم) از کارگران در حال تعطیل شدن است. از جمله شرکت بیکارسازیها نامه ای برای مقامات ارسال کرده اند. طبق گزارشات دولتی در این منطقه در حال حاضر کارگر از کار بیکار شده اند که از این تعداد ۵۹۰ نفر اخراج کند و کارخانه را بکلی بفروش برساند. همچنین شرکت لااب تعطیل شرکت را اعلام کرده و کارگران آن از کار بیکار می‌شوند.

* تا کنون بیش از دوازده شرکت بزرگ در

سطح شهری تعطیل شده و صنعت نساجی شدند. کارگران در اعتراض به این بیکارسازیها نامه ای برای مکالمه شرکت روزن موتور ایران که بیش از یکصد کارگر داشت، اکنون تنها ۵۰ نفر باقیمانده آینده در نظر دارد که همچنانه این شرکت را بفروش بگذارد. اینها به واحدی دیگر منتقل شده اند.

همچنین عنوان شد شرکت کیاسا نیز از ۲۰ کارگر خود، و کارگران آن از کار بیکار

می‌شوند.

* تا کنون بیش از دوازده شرکت بزرگ در

سطح شهری تعطیل شده و صنعت نساجی شدند. کارگران در اعتراض به این بیکارسازیها نامه ای برای مکالمه شرکت روزن موتور ایران که بیش از یکصد کارگر داشت، اکنون تنها ۵۰ نفر باقیمانده آینده در نظر دارد که همچنانه این شرکت را بفروش بگذارد. اینها به واحدی دیگر منتقل شده اند.

همچنین عنوان شد شرکت کیاسا نیز از ۲۰ کارگر خود، و کارگران آن از کار بیکار

می‌شوند.

* تا کنون بیش از دوازده شرکت بزرگ در

سطح شهری تعطیل شده و صنعت نساجی شدند. کارگران در اعتراض به این بیکارسازیها نامه ای برای مکالمه شرکت روزن موتور ایران که بیش از یکصد کارگر داشت، اکنون تنها ۵۰ نفر باقیمانده آینده در نظر دارد که همچنانه این شرکت را بفروش بگذارد. اینها به واحدی دیگر منتقل شده اند.

همچنین عنوان شد شرکت کیاسا نیز از ۲۰ کارگر خود، و کارگران آن از کار بیکار

می‌شوند.

* تا کنون بیش از دوازده شرکت بزرگ در

سطح شهری تعطیل شده و صنعت نساجی شدند. کارگران در اعتراض به این بیکارسازیها نامه ای برای مکالمه شرکت روزن موتور ایران که بیش از یکصد کارگر داشت، اکنون تنها ۵۰ نفر باقیمانده آینده در نظر دارد که همچنانه این شرکت را بفروش بگذارد. اینها به واحدی دیگر منتقل شده اند.

همچنین عنوان شد شرکت کیاسا نیز از ۲۰ کارگر خود، و کارگران آن از کار بیکار

می‌شوند.

* تا کنون بیش از دوازده شرکت بزرگ در

سطح شهری تعطیل شده و صنعت نساجی شدند. کارگران در اعتراض به این بیکارسازیها نامه ای برای مکالمه شرکت روزن موتور ایران که بیش از یکصد کارگر داشت، اکنون تنها ۵۰ نفر باقیمانده آینده در نظر دارد که همچنانه این شرکت را بفروش بگذارد. اینها به واحدی دیگر منتقل شده اند.

همچنین عنوان شد شرکت کیاسا نیز از ۲۰ کارگر خود، و کارگران آن از کار بیکار

می‌شوند.

* تا کنون بیش از دوازده شرکت بزرگ در

سطح شهری تعطیل شده و صنعت نساجی شدند. کارگران در اعتراض به این بیکارسازیها نامه ای برای مکالمه شرکت روزن موتور ایران که بیش از یکصد کارگر داشت، اکنون تنها ۵۰ نفر باقیمانده آینده در نظر دارد که همچنانه این شرکت را بفروش بگذارد. اینها به واحدی دیگر منتقل شده اند.

همچنین عنوان شد شرکت کیاسا نیز از ۲۰ کارگر خود، و کارگران آن از کار بیکار

می‌شوند.

* تا کنون بیش از دوازده شرکت بزرگ در

سطح شهری تعطیل شده و صنعت نساجی شدند. کارگران در اعتراض به این بیکارسازیها نامه ای برای مکالمه شرکت روزن موتور ایران که بیش از یکصد کارگر داشت، اکنون تنها ۵۰ نفر باقیمانده آینده در نظر دارد که همچنانه این شرکت را بفروش بگذارد. اینها به واحدی دیگر منتقل شده اند.

همچنین عنوان شد شرکت کیاسا نیز از ۲۰ کارگر خود، و کارگران آن از کار بیکار

می‌شوند.

* تا کنون بیش از دوازده شرکت بزرگ در

سطح شهری تعطیل شده و صنعت نساجی شدند. کارگران در اعتراض به این بیکارسازیها نامه ای برای مکالمه شرکت روزن موتور ایران که بیش از یکصد کارگر داشت، اکنون تنها ۵۰ نفر باقیمانده آینده در نظر دارد که همچنانه این شرکت را بفروش بگذارد. اینها به واحدی دیگر منتقل شده اند.

همچنین عنوان شد شرکت کیاسا نیز از ۲۰ کارگر خود، و کارگران آن از کار بیکار

می‌شوند.

* تا کنون بیش از دوازده شرکت بزرگ در

سطح شهری تعطیل شده و صنعت نساجی شدند. کارگران در اعتراض به این بیکارسازیها نامه ای برای مکالمه شرکت روزن موتور ایران که بیش از یکصد کارگر داشت، اکنون تنها ۵۰ نفر باقیمانده آینده در نظر دارد که همچنانه این شرکت را بفروش بگذارد. اینها به واحدی دیگر منتقل شده اند.

همچنین عنوان شد شرکت کیاسا نیز از ۲۰ کارگر خود، و کارگران آن از کار بیکار

می‌شوند.

* تا کنون بیش از دوازده شرکت بزرگ در

سطح شهری تعطیل شده و صنعت نساجی شدند. کارگران در اعتراض به این بیکارسازیها نامه ای برای مکالمه شرکت روزن موتور ایران که بیش از یکصد کارگر داشت، اکنون تنها ۵۰ نفر باقیمانده آینده در نظر دارد که همچنانه این شرکت را بفروش بگذارد. اینها به واحدی دیگر منتقل شده اند.

همچنین عنوان شد شرکت کیاسا نیز از ۲۰ کارگر خود، و کارگران آن از کار بیکار

می‌شوند.

* تا کنون بیش از دوازده شرکت بزرگ در

سطح شهری تعطیل شده و صنعت نساجی شدند. کارگران در اعتراض به این بیکارسازیها نامه ای برای مکالمه شرکت روزن موتور ایران که بیش از یکصد کارگر داشت، اکنون تنها ۵۰ نفر باقیمانده آینده در نظر دارد که همچنانه این شرکت را بفروش بگذارد. اینها به واحدی دیگر منتقل شده اند.

همچنین عنوان شد شرکت کیاسا نیز از ۲۰ کارگر خود، و کارگران آن از کار بیکار

می‌شوند.

* تا کنون بیش از دوازده شرکت بزرگ در

سطح شهری تعطیل شده و صنعت نساجی شدند. کارگران در اعتراض به این بیکارسازیها نامه ای برای مکالمه شرکت روزن موتور ایران که بیش از یکصد کارگر داشت، اکنون تنها ۵۰ نفر باقیمانده آینده در نظر دارد که همچنانه این شرکت را بفروش بگذارد. اینها به واحدی دیگر منتقل شده اند.

همچنین عنوان شد شرکت کیاسا نیز از ۲۰ کارگر خود، و کارگران آن از کار بیکار

می‌شوند.

* تا کنون بیش از دوازده شرکت بزرگ در

سطح شهری تعطیل شده و صنعت نساجی شدند. کارگران در اعتراض به این بیکارسازیها نامه ای برای مکالمه شرکت روزن موتور ایران که بیش از یکصد کارگر داشت، اکنون تنها ۵۰ نفر باقیمانده آینده در نظر دارد که همچنانه این شرکت را بفروش بگذارد. اینها به واحدی دیگر منتقل شده اند.

همچنین عنوان شد شرکت کیاسا نیز از ۲۰ کارگر خود، و کارگران آن از کار بیکار

می‌شوند.

* تا کنون بیش از دوازده شرکت بزرگ در

سطح شهری تعطیل شده و صنعت نساجی شدند. کارگران در اعتراض به این بیکارسازیها نامه ای برای مکالمه شرکت روزن موتور ایران که بیش از یکصد کارگر داشت، اکنون تنها ۵۰ نفر باقیمانده آینده در نظر دارد که همچنانه این شرکت را بفروش بگذارد. اینها به واحدی دیگر منتقل شده اند.

همچنین عنوان شد شرکت کیاسا نیز از ۲۰ کارگر خود، و کارگران آن از کار بیکار

می‌شوند.

* تا کنون بیش از دوازده شرکت بزرگ در

سطح شهری تعطیل شده و صنعت نساجی شدند. کارگران در اعتراض به این بیکارسازیها نامه ای برای مکالمه شرکت روزن موتور ایران که بیش از یکصد کارگر داشت، اکنون تنها ۵۰ نفر باقیمانده آینده در نظر دارد که همچنانه این شرکت را بفروش بگذارد. اینها به واحدی دیگر منتقل شده اند.

همچنین عنوان شد شرکت کیاسا نیز از ۲۰ کارگر خود، و کارگران آن از کار بیکار</p

卷之三

نامه‌ای از ایران

قراتی و تورم در سطحی است که زندگی را میلیونها انسان کارگر و زحمتکش تنگ کرده است. رئیس سطح مالیاتها را خیلی بالا برده و با اعلام نرخ جدید ارز از طرف رئیس به یکبار قیمت اجناس در بازار چندین ریاری شد. این در شرایطی است که هنوز تعداد زیادی از کارگران روزانه وارد میدانهای کار شده و بدلیل نبود کار با دست خالی به میان خانواده هایشان باز بیگرنده. اکنون دستمزد کارگران ساختمانی در شهر سنندج روزانه ۳۵۰ تومان تا ۴۰۰ تومان است که نسبت به گرانی موجود بسیار نازل است. قند در ماه گذشته ۷۰

تومان بود و اکنون به ۸۰ تومان رسیده.
چای یک کیلو ۴۵۰ تومان بود و اکنون ۵۰۰ تومان است. برنج یک کیلو ۱۲۰ تومان و اکنون ۱۵۰ تومان شده است.
روغن ۱۸ کیلویی ۲۰۰۰ تومان بود و اکنون ۲۴۰۰ تومان است. شکر کیلویی ۵۰ تومان بود و حال ۶۰ تومان است. گاز ۴۰ تومان بود و اکنون ۵۰ تومان شده است.
نفت بسیار کتاب شده است و مدتی است که در کردستان دویاره بصورت کوپن داده میشود. برق کیلوواتی سه تومان بود و حال به ۵ تومان رسیده است. گشت از ۴۵۰ تومان به ۵۰۰ تومان و برنج از ۱۹۰ تومان به ۲۰۰ تومان رسیده است. دارو که اصلاً پیدا نمیشود. این مخارج بعلاوه کرایه خانه واقعاً کمر شکن است. این وضعیت با توجه به سطح پایین دستمزدها معیشت کارگران را در تنگتا قرار داده است و در میان کارگران همه جا صحبت از پایین بودن دستمزدها و گرانی روز افزون قیمت هاست.

از دست داده‌اند. وسایل ایمنی کار وجود ندارد و کارخانه وضعیت بدداشتی بدی دارد. کارفرما لیست بیمه کارگران را رد نمیکند و اگر کارگران و خانواده شان بیمار شوند ناجارند حق ویزیت پنهان و از دکتر آزاد استفاده کنند. اگر برای کارگری مشکلی پیش آید نمیتواند از مرخصی استفاده کند و اگر هم غبیت کند ۲ روز از مزد او کم میکنند و در صورت تکرار از کار اخراج میشود. مقرارت درون کارخانه بعinand نظام ارتش است. برای رفتن به دستشویی باید از سرشیفتها اجازه گرفت. در کارخانه شرایطی ایجاد کرده‌اند که کارگران به رقبات با هم قرار گیرند.

کارگر در این کارخانه جان باخته و چندین کارگر دچار کوری چشم شده‌اند و حتی تعادی انگلستان دست خود را زیر دستگاه هم اکنون به خارج کشور آمده است.



صحنه‌ای از یکی از اجتماعات اول مه کارگران شهر سنتج در سال ۶۷

گزارشی از

کارخانہ مفتول پولاد سنندج

کارگران کارخانه کفش پیروزی:
مهمترین مسئله تورم و گرانی است

مرکز خبری کارگر امریقہ: کارخانه کفشن پیرونی یا کفشن وین یک مجمعع صنعتی مشکل از کفشن وین، فلوک ایران، لاستیک سازی و شرکت کوشک بود و شرکت کوشک قسمت فروش شرکت وا/اداره میکرد. شرکتهای چندی این کارخانه بتدریج در کفشن پیرونی ادغام شده و تولیدات آن شامل: تولید کفشن لاستیک، فلوک و چسب است. و حدود ۱۳۰۰ کارگر و پرسنل دارد. قسمت برش، مدل سازی و سالن فنی ۹۰ کارگر دارد. سالن فنی شامل تراشکاری، قالب سازی، لوله کشی، آهنگری، مکانیکی، برق، کفاسی، هیدرولیک، نجعی و دیگر خدمات فنی است. سالان دوخت زنان از مردان جدا شده و ۵۰ زن در آن اشتغال دارند. این کارخانه مجموعاً ۷ سالن کفاسی دارد و سالنهای آن شامل قسمت های اپیوت دونزی، چرمی، پلاستیکی، تزیین در انواع مدلهای زنانه مردانه و بچه گانه است. بعلاوه در این کارخانه انواع کفشهای صنعتی خذ حقوقی، خذ روغن و اسید و پوتین های ارتشی و کفشهای پرسنلی شرکت نفت تولید میشود. روزنامه کار و کارگر ناشر افکار شوراهای اسلامی در گزارشی از این کارخانه با کارگران و مدیریت این کارخانه گفتگویی دارد که در شماره ۲۱ اردیبهشت آن به چاپ رسیده است. در اینجا قسمت هایی از صنعت های کارگران که هاکی از اعتراض کارگران به سلطع پایین دستمزدها و سختی کار در پخش برش این کارخانه است را میغواهیم:

در پاسخ به خبرنگار کار و کارگر یکی از کارگران پخش تولید میگوید: بنده دوازده سال است که در این کارخانه کار میکنم. خودتان میدانید که این حقوق هیچ درمانی را دوا نمیکند. چرا که قیمت کالاها هر روز گرانتر میشود و هیچکس

گزارشی از

یک ایستگاه دامپوری در شهر سنندج

کارگران اعتراض کردند و دستمزد آنها به ۹۰۰ تومان در ماه افزایش یافت. کارگران یین شرکت هنوز رسمی نیستند. کارگرانی هستند که حدوداً ۱۰ سال سابقه کار دارند ولی بصورت قراردادی کار میکنند و کارفرما تهدید میکند که اگر کارگران به این مبالغه اعتراض کنند اخراج خواهند شد.

گزارش از رفیق کارگری از ایران

کارگران اعتراض کردند و دستمزد آنها به ۹۰۰ تومان در ماه افزایش یافت. کارگران این شرکت هنوز رسمی نیستند. کارگرانی هستند که حدوداً ۱۰ سال سابقه کار دارند و لی بصورت قراردادی کار میکنند و کارفرما تهدید میکنند که اگر کارگران به این مساله اعتراض کنند اخراج خواهند شد. کارگران این استگاه سالانه ۲۴ روز مخصوص دارند که از این مرخصی نمیتوانند بکجا استفاده کنند. جو مذهبی اجرای ای

این استگاه، در ۵ کیلومتری جاده سنندج کرمانشاه واقع شده است و حدود ۳۰ کارگر دارد. این استگاه به جهاد سازندگی وابسته است. ساعت کار کارگران از ساعت ۶ صبح تا ۶ غروب است. و کارگران در سه شیفت کار میکنند. دستمزد کارگران تا سال گذشته ۷۷۰ تومان در ماه بود. اما کارگران با نوشتن طومار اعتراضی خطاب به اداره کار سنندج به سطح پایین دستمزدها و شیوه نوشتن لیست حقوق

اعتراضات گارگران هپکو و واکن ساری اراد

کارخانه پتروشیمی راضی در ماهشهر

در دوازه مسکونی کارخانه ساکن هستند
بعد از بازنیشته شدن باید مسکن خود را
پس داده و در جای دیگری ساکن شوند.
البته این مسکنها شامل همه کارگران
نمیشود، از جمله کارگرانی که سابقه کار
کمی دارند و یا سنتشان زیاد است و در کل
کارگران ساده، مثل نظافتچی ها و کارگران
سرپیس. کارگرانی هستند که بازنیشته
میشوند ولی بدليل عدم تامین معیشت
مجبرورند دویاره در همان کارخانه
در خواست کار کنند تا با توجه به نوع
شخص و سابقه کار و سنتشان کار
سبکتری به آنها داده شود. این ها با
دستمزد کمتری همان کار را انجام میدهند.
من بازنیشته‌گی ۵۵ سال و ۳۰ سال سابقه
کار بود که اخیرا با توجه به قانون کار به
۵۰ سال رسیده است. ولی هنوز اجرای
نگردیده است. کارگرانی که به سن ۶۰
سالگی میرسند بدون توجه به سابقه کارشان
باشد بازنیشته شوند. حداقل حقوق یک
کارگر بازنیشته حدود ۱۸ هزار تومان است

ر ماهشهر سه کارخانه پتروشیمی وجود
ارد و تولیدات آنها کود شیمیایی
شاورزی است. ۱ - پتروشیمی راضی ۲ -
پتروشیمی بندر امام ۳ - پتروشیمی
ماهشهر.

تولیدات پتروشیمی راضی عبارت است
ز: دی - آمونیوم نسفات که تقویت کننده
بوده است و اسید فسفیک و گوگرد. در
ین کارخانه ۴ هزار کارگر به کار اشتغال
ارند. از این تعداد ۸۰۰ الى ۱۰۰۰ نفر
کارگر فنی و بقیه در قسمت حمل و نقل و
تارهای تعمیراتی کار میکنند. شرایط کار
ر این کارخانه بسیار سخت و طاقت
مراست و اکریت کارگران دچار بیماریهای
بوستی میشوند و عموماً بعد از ابتلاء، به
بیماری به محل کار دیگری منتقل
میگردند. درصد این بیماریها آنقدر بالاست
که دست کم سالانه ۵۰ نفر به آن مبتلا
میشوند. یکی دیگر از بیماریهای ناشی از
کار در این کارخانه که در تیجه وجود
گازهای سی کارگران به آن مبتلا میشوند،
بچه دار نشدن است. بطریکه طبق اطلاع
من هم اکنون حدود ۲۰ نفر از کارگران به
همین دلیل بچه دار نمیشوند. حوادث ناشی
از کار بسیار است و از جمله یکی از
کارگران این کارخانه بدلیل اینکه بدون

درست شود و طرح طبقه بندی و دیگر خواستهای کارگران اجرا شود. بدینویسله این اعتراض بعد از دو هفته پایان یافت. در مهر ماه ۷۰ کارگران واگن سازی اراک دست به اعتراض زدند و خواستهای خود را در مجمع عمومی کارگران تمام قسمتها به صورت قطعنامه‌ای که تمام خواستهای کارگران در آن منعکس شده بود، مطற کردند. خواستهای آنان مانند کارگران همکار خواستهای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل حول عدم اجرای مدیریت و پرداخت طلب های از سوی مدیریت و پرداخت نشدن کامل حقوق اکتشته و پرداخت نشدن دستمزده و دریافتی ها بود. ابتدا کارگران قسمت "سی، ان، سی" (مواد اولیه دست از کار کشیده بودند و به تدریج کارگران قسمتها دیگر به اعتراض پیوستند. کارگران یک هفته تولید را متوقف کرده و خواستهای خود را به اینکه مدیریت کارخانه اعلام کردند. بعد از اینکه مدیریت قول و تعهد داده بود که به خواسته های کارگران رسیدگی شود، کارگران دوباره سر کارشان بازشتمد و لی چو مدیریت زیر قول خود زد و حاضر نشد و دریافتی های این را پیشبرده کارگران صریحاً خواستهای آنان را کار کشیدند. این با توجه به اهمیت موضوع و کلیدی بود انتساب کارگران دخالت کرد و هیئت را به سرپرستی حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور به اراک فرستاد تا با کارگران وارد مذاکره شوند. در هفته اول اعتراض جو کارخانه چنان مشتبه شده بود که حبیبی توانست در جمع کارگران سخنرانی کند. یعنی کارگران به او اجازه رجز خوانی ندادند. و از حبیبی خواستند که هر چه زوایر به خواسته هایشان جواب داده شود. حبیبی به ناجا و برای آرام کردن کارگران و پایان دادن به اعتراض آنها، و عده های زیادی داد. او قول داد که وضع کارخانه

کاهش اعضاي اتحاديه ها در آلمان

مرکز خبری کارگر امروز:
فرادریون سراسری اتحادیه های کارگری آلمان، "د.گ.ب." از نیمه اول سال ۱۹۹۳، بیش از ۸۰۰ هزار عضو خود را از دست داده است.

بنابراین سال ۱۹۹۲ در این اتحادیه تنها ۱۱۰۱۲ میلیون کارگر عضو بوده اند که این تعداد بیانگر کاهش ۶۷ درصد اعضاي اتحادیه به نسبت سال ۱۹۹۱ است. ایالت های شرق آلمان شاهد کاهش پیشتر اعضای خود بودند. در حالیکه تعداد کاهش اعضا در غرب ۱۹ هزار نفر بود در شرق آلمان ۷۷۶ هزار کارگر از اتحادیه ها کنار گیری کردند.

**موج جدیدی
از بیکارسازی در آلمان**

اعتدایه کارگران فاز با ۳ میلیون و ۴۹ هزار عضو و اتحادیه خدمات عمومی با ۲ میلیون و ۱۱ هزار عضو کماکان بزرگترین اتحادیه های عضو "د.گ.ب." هستند.

مرکز خبری کارگر امروز:
موج جدیدی از بیکارسازی در صنایع غرب آلمان بیرون در صنایع اتوموبیل سازی و فولاد آغاز شد.
به گزارش تایمزمالی، روز ۱۷ ژوئن، کپیانی فولکس واگن اعلام کرد که بدیل کاهش تقاضا در بازار، کپیانی ناتکری است که تعداد پیشتری از کارگران را بیکار کند. فولکس واگن قابل برناامه داشت که ۱۲۵۰ کارگر را تا سال ۹۵ بیکار نماید. کپیانی "اوی" نیز که قرار است تا آخر سال جاری ۴ هزار کارگر را بیکار کند قصد دارد در ماه ژوئیه ۲۵ هزار کارگر کپیانی را بدمت ۵ روز به خانه بفرست. تولید این کپیانی نیز در ماه ژوئیه ۲۵ درصد کاهش می نماید.
بعش فولاد کپیانی "تیسان" روز ۱۶ ژوئن اعلام کرد که تا آخر سال آلتی ۹ هزار شغل این کپیانی از بین خواهد رفت. بنابراین تحقیقات کارشناسان اقتصادی آلمان تعداد بیکاران این کشور که در حال حاضر ۲۲۵ میلیون نفر ارزیابی شده است در خواهد یافت.

اعتراضات کارگری در فنیجریه

در هفته اول ژوئن، همزمان با انتخابات ریاست جمهوری در نیجریه، کارگران نفت و رانیدگان تانکرها دست به اعتراض زدند. بدنیال انتساب کارگران، تمام پالایشگاه های دولتی تعطیل شدند و صفحه های طولانی در پمپ بنزین های شهر لگوس شکل گرفت. کمبود سوخت که حتی قبل از اعتراض کارگران وجود داشت شمال و شرق نیجریه را بشدت فلک کرد. اعتراض کارگران نفت باعث توقف وسائل تغییری عمومی و ترانسپورت شد.

مبادره برای افزایش دستمزد در بین‌تائیا

رهبران اتحادیه که بیش از ۵۰۰ هزار کارگر بخش دولتی را نایابندگی می کنند، پیشنهاد دولت مبنی بر حداقل افزایش دستمزد به میزان محدود ۱/۵ درصد را پیشنهاد نمودند. نایابندگان کارگران در اتحادیه کارگران خدمات عمومی از اتحادیه خواستند تا علیه این میزان محدود افزایش دستمزد کمپنی را آغاز کنند و اقدام به اعتراض را به رای کارگران بگذارند.

بعد از ۴ سال کار و زندگی در آلمان هنوز بیکانه به حساب می آیند

ترکها را خارجی! آنها این طور به فرهنگ و شعور انسانی شکل می دهند.

از طرف دیگر در ترکیه هم یک روز بعد از واقعه تظاهراتی بر پا شد. علاوه بر بیزاری از زنجار بحق مردم از این حرکت مسائب دیگری نیز در تظاهرات به چشم می خورد. آنها هم نه از محکوم کردن بیکاری و عوامل کوچ اجباری و بودن امیت شغلی برداشتند. طبعاً این واقعه ناگوار و جدان همه ما کارگران و انسانهای برابری خواه را بدليل ترک بودن (قريانیان) راسیسم را چریخه دار کرد. و قلبان پر از غصه محکوم می کردند. و پرجم ترکیه را از دفاع از ترکها بالا می بودند. خدا من داند که اگر قريانیان لهستانی بودند اصلاً آنها به آن حد عصبانی و خشمگین می شدند که نایابندگان ترکیه تقاضای برخورد مستولانه را از ترکها بکنند. آیا نهاد پرستی و راسیسم خود زاده این روش تعریف کردن انسانها به خارجی و غیره نیست؟ ما هم باید بگوییم قريانیان ۲۹ مه در آتشی سوختند که ناسیونالیسم و نظام سرمایه داری و بیکاری و بودن امیت شغلی آنرا شعله علو رکوردن.

ما هم باید به هم طبقه ای هایمان یادآور شویم. آنها با بیکارسازیشان، با پانیش آزادن سطح معیشت کارگران و جامعه، با دفاعشان از سرمایه داری و ناسیونالیسم و غیره باعث بوجود آمدن نتوانایها و نواداپرستی هستند. آنها در آتش زدن انسانها شریک جرم راسیسم هستند. محکوم کردن حرکات مولناک ۲۹ مه بدون محکوم کردن علت اصلی آن یعنی سرمایه داری و ... ریاکارانه و پوچ و مسخر است.

باشد با برطرف کردن مشکلات و سیما و آینده ترسناکی که بورژوازی در پیش یابی جامعه امروزی ما قرار داده است، تخم نبرد اتحاد و همنوع دوستی و عدالت خواهی را در مسکو کشوارها کاشت. آنچه امروز در آلمان که یکی از مراکز تحدی و اقتصاد بزرگ دنیا است در حق به خارجی و انسانها انجام می گیرد نشانه بن بست

محمد ج - ترکیه

سردیبر کارگر امروز!

در تاریخ ۲۹ مه امسال شاهد جنایت دیگر را بیشترها در آلمان علیه چندین نفر خارجی ترک بودیم. آنها جنایتکارانه خانه خارجیها را به آتش کشیدند و ۵ نفر جان باختند و چند کودک هم جراحات ناشی از سوختگی برداشتند. طبعاً این واقعه ناگوار و جدان همه ایستگاهی از این رژیم ولی اوضاع همینطور شویم! اما اینها محکوم کردن نتوانایها چنانچه دار کرد. و قلبان پر از غصه محکوم می کردند. و پرجم ترکیه را از دادن شادن اینها باعث حرکتی های جنبشی دفاع از ترکها بالا می بودند. خدا من داند که اگر قريانیان لهستانی بودند اصلاً آنها به آن حد عصبانی و خشمگین می شدند که نایابندگان ترکیه تقاضای برخورد مستولانه را از ترکها بکنند. آیا نهاد پرستی و راسیسم خود زاده این روش تعریف کردن انسانها به خارجی و غیره نیست؟ ما هم باید بگوییم قريانیان ۲۹ مه در آتشی سوختند که ناسیونالیسم و نظام سرمایه داری و بیکاری و بودن امیت شغلی آنرا شعله علو رکوردن.

ما هم باید به هم طبقه ای هایمان یادآور شویم. آنها با بیکارسازیشان، با پانیش آزادن سطح معیشت کارگران و جامعه، با دفاعشان از سرمایه داری و ناسیونالیسم و غیره باعث بوجود آمدن نتوانایها و نواداپرستی هستند. آنها در آتش زدن انسانها شریک جرم راسیسم هستند. محکوم کردن حرکات مولناک ۲۹ مه بدون محکوم کردن علت اصلی آن یعنی سرمایه داری و ... ریاکارانه و پوچ و مسخر است.

باشد با برطرف کردن مشکلات و سیما و آینده ترسناکی که بورژوازی در پیش یابی جامعه امروزی ما قرار داده است، تخم نبرد اتحاد و همنوع دوستی و عدالت خواهی را در مسکو کشوارها کاشت. آنچه امروز در آلمان کار کرد، و باعث رونق آلمان شده است. آنچه امروز در آلمان کار کرد، و باعث رونق آلمان شده است. ما کارگران با محکوم کردن این نظام تمام شده اند و سرمایه امروزی سرمایه داران جنایات بورژوازی و نواداپرستی را محکوم می کنیم. به هم خانواده های قريانیان و شاهانهایکه این مسئله را از آن خود می بخواهند که این مسئله را این تسلیت نیست، این تحریر انسان است که با میلت و نهاد قريانیان را چون راسیستها ترکیه می داند و

نامهایی که به قصد درج در این سیاست ارسال می شودند باید:

۱- کوتاه باشند

۲- تایپ شده یا کامل‌خوانا باشند

۳- تصویب شود. تا اعضاء مفوظ بمالد

۴- کارگر امروز در انتخاب و تغییص نامعا آزاد است.

نامه به سردیبر

ضرورت ارتقای نشریه کارگر امروز

سردیبر کارگر امروز! ۳۷ آمد و لی این

بعثت آغاز نشد است.

روزها و سرمایه داری اسلامی ایران باعث

شده که بیشترین فعالیت فعالین جنبش

کارگری بر سر حقوق مسلم کارگران متصرف

شود مثل حق تشکل، اعتصاب و غیره و

افشاگری از این رژیم ولی اوضاع همینطور

ایست نخواهد بود. مسلمان در هر تحولی که

باعث یک مقدار فضای باز سیاسی گردد،

گرایشات مختلف درون جنبش کارگری، با

وضوح بیشتری خود را نشان داد، و در

متعددان بورژوازی شکست و گرایش سوسیالیستی

کارگری، باید از همین حالا، با محکمی در

موره سوسیالیسم و طبقه کارگر بشدت

تحت تاثیر قرار داده است، وظیفه نشریه

کارگر امروز د چندان می شود و باید

مشخصه بورژوازی را در هر تحولی که در همین نشریه

مندرج می شوند را در نظر بگیریم. تا حال

اصحایه های زیادی شده و از زبان رهبران

اتحادیهای اندیاع نقطعه نظرات که در میان

جنیش کارگری بر سر مسائل و مضللات

مخالف موجود، جهت مشکل کارگران این

جنیش حول گرایش سوسیالیستی کارگری،

۱۲ اضافه کردن بخش دیگر، مثل: "یعنی و

بررسی". خلاصه در این نشریه باید مکانی

وجود داشته باشد برای حرفاها اثباتی.

هر چند قسمت نامه به سردیبر جالب است

ولی نسی توائد جای مواردی که اشاره کردم

را پر کند.

برای مثال، شما در کارگر امروز شماره ۲۲

در جواب به یدالله خسرو شاهی نوشید

که:... مسائل متعددی را از جمله رابطه

کارگران و احزاب سیاسی و حزب کمونیست

کارگری ایران بیان کشیده است ... قطعاً

موقق باشد!

بهروز ناصری

۹۳/۶/۲

لزوم برپایی گنگره روزنامه ها و نشریات کارگری در سطح بین المللی

انتشارات گوناگون قرار بگیرد. بیویه در عصری که بورژوازی خوین و تاریخی بدست آورده ایم، از ما پس می گیرند. در کانادا پاریلان مشغول تصویب کردن گزینه ای است که در گنگره و تیبلیغات زهر آگین می کند. ۴) بنظر انتساب قانونی را لغو کند، در فنلاند دستمزدهایان را می خواهد و مجموعه ای از مسائل این روزنامه جنبش کارگری را درست کند که کسانی که ۳۰ الی ۴۰ سال در آلمان کار کردند و باعث رونق آلمان شده اند و سرمایه امروزی سرمایه داران این روزنامه را از نظر این نظام تمام شده است. شده اند و سرمایه امروزی کارگری اینکه در آلمان حاصل رونق آنها است نیز بدلیل اینکه در آلمان متولد شده اند هنوز بیگانه بخواهند و بجهات اینکه در این روزنامه ای این مسئله را از آن خود می بخواهند، این تسلیت نیست، این تحریر انسان است که با میلت و نهاد قريانیان را چون راسیستها ترکیه می داند و

کنندگان در گنگره برسد.

دو: این تشكیل مینیطرور باید دستور کار

گنگره را در اختیار تمامی انجایی آن

با مانع جدی روپر هستیم و نمی توانیم

تاثیری چندی بیشتره ای داشته باشیم.

اما به نظر من، بسیار ضروری است که

گامهای عملی ای برای آن بروزگار شود.

بودروزی یعنی گزینه ای که روزنامه ها و نشریات

محجتبین برای تشکیل "اتحادیه زورنالیستی

کارگری در سطح بین المللی" از طریق

شرکت نایابندگان و یا سردیبرانشان است.

آن شرکت می خواهد در مورد مستله ای

کنگره را در انتخابات کارگری که اشاره کردم

را پر کند.

که می شود با آماده شدن تعداد قابل

توجه ای این کار را کرد. برای اینکه به

برگی از تاریخ

مختصه از زندگی کارگران نفت جنوب

مراغه

منتشره در: اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دمکراتی و کمونیستی ایران - جلد چهارم، انتشارات مزدک
مسنوعات از یکنفر کارگر آبادان - از شماره ۶ "پیکار" نشریه حزب کمونیست ایران، اول ژوئن ۱۹۳۱

تهیه کننده: بیژن هدایت

شرایط زندگی کارگران

رجاید "تایمز" لندن در یکی از نمرات خود ایران می‌نویسد که سرمایه کمپانی مزبور

بالغ بر ۲۴ میلیون لیر انگلیس است و در

سنه ۱۹۳۰ منفعت تخصیصی برای تقسیم

ین ساججان سهام، ۵۰ میلیون لیر بوده است، یعنی دو برابر سرمایه اصلی، و علاوه

بر این سرمایه ذخیره او نیز بالغ بر ۱۰ میلیون لیر می‌شود. حال برابر ما خیلی

جالب نظر و دقت خواهد بود که بدایم در

ظرف مدت قلیلی کمپانی این سرمایه

حریت آور را به چه وسیله به دست آورد و

توانسته است برای خوشگذرانی و عیاشی

یک مشت لرد بی حقیقت لندن و زندگانی

لوکس آنها از خون دل یکنسته کارگر

ایرانی این سرمایه هنگفت را تهی نماید.

تال سال ۱۹۱۰ ناجیه آبادان فقط عبارت

بود از یک صحرای بدون هیچگونه آبادانی.

ولی بعد از آنکه کمپانی تصمیم گرفت که

لوله نفتی را از مسجد سلیمان بدانظر

پکشد و در ناحیه مزبور شروع به استخراج

نفت پکند بدون اینکه برابر کارگرانی که

بدین صوب می‌آیند تهیه منزل و مأوای

بنایید عده کثیری کارگران بدیخت ایرانی را

روانه نهضه مزبور نمود. کارگران مجبور

بدوند که برابر خود تهیه منزل نمایند. لذا

هر کدام بجهت خود در زیر زمین دخمه

خر کردن و یا با چوب اطاقدایی ساختند.

بدیهی است این منازل نمی توانست در

زمستان یا در هنگام باریان آنها را

حفظ نماید. به این سبب در چین اوقاتی

این لانه ها پر از آب و رطوبت بود و

بهین سبب هم می توان گفت که کتر

کارگری سالم و تندست دیده می شد. و

همکی مبتلا به مرضهای مختلفه بودند و

از طرف کمپانی حتی یک دکتر ناشی هم

برای حفظ ظاهر به محل مذکور فرستاده

نشده و یک مریضخانه موقتی هم داشت و

تاسیس نشد. بهین عنلت کارگران سالم

مرگ است یا بتوسط قایق و یا روی دوش

خود کشیده تا مغمرا (خرمشهر). برای

معالجه و مداوا بیرون.

در تابستان هم اوضاع صحي کارگران بهتر

از این نمود. یعنی پس از مدت یازده

ساعت کار در زیر افتاد سوزان و گرمای

بی پیر آبادان و در مقابل وخش بادهای

سخت مهلهک، وقتیکه به منزله شدند و سوختند و

کردند ابدا اثری از لانه خود نمی دیدند.

بارگش نمره هفت غرق گردیده و ۱۲ نفر

کارگر ایرانی تلف شدند و تا امروز هم

بیرون کشیدن ماشینها بدون تلف شدن یک

الی دو نفر کارگر صورت نمی گیرد. زیرا

بیرون آوردن آنها بوسیله کارگران صورت

می گیرد و برای اینکار جراحتان نیست و

این عمل مشکل که در تمام دنیا بوسیله

جراحتان انجام می گیرد در چین مواقعنی از طرف

کمپانی یکشاپنی هم به آنها کمک و

مساعدتی نشده و نمی شود. بنابراین

کارگران بطور اعانه از بین خود تا دو

تومان جمع آوری کرده و برای کارگر کمپانی

کمک و معاونتی بعالی و اطفال آنها نشده

و نمی شود.

حاکمان کردستان عراق در اولین روزارویی با اتحادیه بیکاران با شکست مواجه شدند

بقیه از صفحه اول

و دولت به بهانه های مختلف از زیر بار خواستهای کارگران بیکار و اتحادیه آنها شانه خالی میکند و حتی تعهدات و عده ها و توافقات خود را با اتحادیه نادیده گرفته است. اتحادیه بیکاران در این اطلاعیه از دولت خواسته است که امانت شهر را در طول تظاهرات بر عهده بگیرد. بیکاران کردستان با این فراخوان، اتحادیه بیکاران طی اطلاعیه ای فراخوان میدهد تا در همان تاریخ ۱۹۳۷/۶/۱۹ در جلو دفتر اتحادیه را آغاز می کند. اتحادیه بیکاران زحمتکشان روسرو نشده بود، حاکمان کردستان برای پیشوی و محدود تر کردن فعالیت احزاب ایزویزیون کوچکترین تردیدی به خود راه نمی دادند. حملات حاکمان کردستان به اتحادیه بیکاران با اعتراضات کارگران و زحمتکشان مواجه می شود و آنها را وا میدارد تا بدلیل دیگری بر خواهند آمد، تنها آمادگی و پسیج کارگران و زحمتکشان است که می تواند به آنها اشغال بزند. دولت خواسته شود که آذوقه ماهانه بیکاران و گرسنگی دولت خواسته شود که آذوقه ماهانه بیکاران و سهم آنها را از گندم و مواد خوارک ای و سهم آنها را از گندم و مواد خوارک ای که به عنوان کمک به کردستان این می آید وی تاکنون کارگران آزاد کنند، ۸ تن برخیز در اختیار اتحادیه قرار دهند تا در بین بیکاران توزیع کند و همچنین قرار می شود دولت کردستان در مقابله با فراخوان

فراخوان اتحادیه بیکاران در کردستان عراق

از مبارزه اتحادیه بیکاران کردستان عراق حمایت گنید

مرکز خبری کارگر امریزه: مناسب بجای بیکاران کردستان عراق با انتشار یک اطلاعیه خطاب به تشکلهای کارگری آمریکا و اروپا از آنها خواسته است که اتحادیه بیکاران را در راه رسیدن به خواستهایش مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد. تلخیص شده متن این اطلاعیه را که یک نسخه از آن برای کارگر امریزه ارسال شده است را در زیر می خوانید.

سنیکارها و اتحادیه های کارگری و تشکلهای بیکاران

رهبران و فعالین جنبش کارگری

ما نایندگان منتخب جمع عمومی بیکاران در کردستان مشکل در اتحادیه کردستان از طرف کشورهای امیریالیستی و همچنین معاصره اقتصادی کردستان از طرف حکومت مرکزی عراق، بر وسائل فلک و شاخواری زندگی را بسر برند.

دستزد روزانه آنها ۵ دینار عراق، معادل ۲ دلار آمریکایی در روز می باشد و ساعتی کار روزانه بیشتر از ۱۰ ساعت

است. گذشته از عدم امکانات عمومی و اسباب ایاب و ذهاب و بیمارستان و ...

محاصره اقتصاد عراق از طرف کشورهای امیریالیستی و همچنین معاصره اقتصادی کردستان از طرف حکومت مرکزی عراق، بر وسائل فلک و شاخواری زندگی افزوده

ما به این منظور صندوق جهت جمع آوری و تامین معلومات مالی تأسیس کرد ایم و از شما می خواهیم که کمکهایتان را از این طریق حواله گنید!

اتحادیه بیکاران در کردستان عراق

۱۹۳۷/۲/۲۷

زنده باد سوسیالیسم!

نادر عبدالحید

احمد معین

حسنو سایه

ماد مه ۱۹۳۷

توضیح: کمکهایتان را چه به این آدرس و یا از هر طریق موره نظر خودتان می داشته باشند و طبقه کارگر و طبقه بی چون و توانید حواله گنید.

- رسید کمکهای مالی شما در نشریه اعلام خواهد شد.

UNI BANK
Acct No: 2106 0377 293 045
Branch: Rådhus afdeling/
Vesterbrog 2A
1620 Copenhagen V
Name: Prolitari

کردن از آن در درجه اول این کمک از اهداف خود، و کمک به استواری چنین

جزیی از برایر هم داشتمان طبقه کارگر کمکیست و کارگر مبارزیست.

فعالیت هم جانبه این حزب و به سرانجام رساندن وظایف آن در دوره کوتیست.

ما شما را برای تقویت کردن بینه مالی تأسیس است. تشکیل اش برای نیل به رهبران و فعالین و اتحادیه های کارگری در جهان

نشریات و ارگانهای کارگری فعالیت هم جانبه این حزب و ازاقایان آزادیخواه و اقلایی جهان

حزب کمکیست کارگری عراق در شرف تأسیس است. تشکیل حزب طبقه کارگر عراق این شما در این شرایط سیاسی کنونی جهان و

کارگری که کردن به نیرومندی و استواری چنین

سازمانی ایزدیاری کارگری و پیشوی آن بوده حساستین دوران مبارزه کمکیست در هر

گوشه جهان نیز شمار می آید. تقویت این

عملی گسترش این جریان در عراق.

اعتراض کارگران آبجوسازی کلمبیا

بقیه از صفحه اول

علی رغم مبارزه و اعتراض کارگران

کارخانه ساعت سازی تایمکس در بریتانیا تعطیل میشود

اعتراض موقق علیه اخراج ۲۰۰ کارگر در نروژ

مرکز خبری کارگر امریکا:
خلاص کارفرماهای کارخانه روسنبرگ در اخراج ۲۰۰ کارگر کارخانه سازند سکوهای شناور بر اثر مبارزه دستگمی کارگران این بخش به شکست انجامید. کارخانه روسنبرگ واقع در شهر استونبرگ نروژ حدود ۱۵۰ کارگر دارد. این کارخانه یکی از سازندگان سکوهای علاوه بر نروژ، از دیگر کشورها از جمله انگلستان، آمریکا و کشورهای اروپائی می باشدند. در این کارخانه بدليل حجم سنگین کار و فشرده‌گی آن کار شیفت پندی شد و کارگران در شیفت‌های مختلف مشغول به کار هستند و در هر شیفت ۸ ساعت کار می کنند و اضافه کاری جزء برنامه این کارخانه است. کارگران این کارخانه برای خواسته های مختلف بارها دست به مبارزه زده‌اند. یکی از موادهای تعریض مدیریت بود. کارگران شدیداً به مدیریت حمله کردند و با دخالت دولت عوض شد. موادهای دیگر مبارزه برای اضافه دستمزد و مبارزه موقق آنها برای گرفتن صحنه و نهار بود.

روز ۲۲ زوشن، مدیر کارخانه روسنبرگ تصمیم به اخراج ۲۰۰ کارگر گرفت که اغلب داری سابقه کار طولانی بودند. وی قصد داشت بجای این کارگران، کارگرانی را با مزد کمتر استخدام کند. اتحادیه کارگران بالاصله فراخوان یک اعتراض و راهیمانی را داد. در این راهیمانی ۵۰ ساعته بیش از هزار کارگر شرکت کردند. در تجمع کارگران یکی از رهبران اتحادیه در طی سخنرانی اش گفت: اخراج این عدد از کارگران به معنای اخراج تنها ۲۰۰ کارگر در این واحد تولیدی نیست بلکه تلاشی است از جانب سرمایه داران برای تصویب قانون اخراج کارگران توسط کارفرماهای کارگران با شغل ثابت هم شامل این قانون خواهد شد. اتحادیه همچنین کارفرما را تهدید به اعتراض غذای کارگران کرد. در نتیجه اعتراض دستگمی و مقاومت کارگران با دخالت دولت مدیر مجبور به قبول خواست کارگران بستی بر عدم اخراج ۲۰۰ کارگر شد.

استخدام مجدد کارگران اخراجی با دستمزد کارگران در مقابل درب ورودی کارخانه با پشتیبانی دائم مردم و کارگران بخش های دیگر ادامه داشت. روز ۱۵ مه، بیش از ۳ هزار نفر در پیکت کارگران اخراجی به هزار نفر در پیکت کارگران اخراجی به ۹/۸ درصد دستمزدشان و کاهش جلوگیری از درود ۶۰ چانشین کارگران کارگران تایمکس مورد پشتیبانی معنی‌چیز کارگران تایمکس بود. اعلام تعطیل کارخانه خشم اتحادیه و کارگران را برانگیخته است.

مرکز خبری کارگر امریکا:
خلاص کارفرماهای کارخانه روسنبرگ در اخراج ۲۰۰ کارگر کارخانه سازند سکوهای شناور بر اثر مبارزه دستگمی کارگران این بخش به شکست انجامید. کارخانه روسنبرگ واقع در شهر استونبرگ نروژ حدود ۱۵۰ کارگر دارد. این کارخانه یکی از سازندگان سکوهای علاوه بر نروژ، از دیگر کشورها از جمله انگلستان، آمریکا و کشورهای اروپائی می باشدند. در این کارخانه بدليل حجم سنگین کار و فشرده‌گی آن کار شیفت پندی شد و کارگران در شیفت‌های مختلف مشغول به کار هستند و در هر شیفت ۸ ساعت کار می کنند و اضافه کاری جزء برنامه این کارخانه است. کارگران این کارخانه برای خواسته های مختلف بارها دست به مبارزه زده‌اند. یکی از موادهای تعریض مدیریت بود. کارگران شدیداً به مدیریت حمله کردند و با دخالت دولت عوض شد. موادهای دیگر مبارزه برای اضافه دستمزد و مبارزه موقق آنها برای گرفتن صحنه و نهار بود.

روز ۲۲ زوشن، مدیر کارخانه روسنبرگ

تصمیم به اخراج ۲۰۰ کارگر گرفت که

اغلب داری سابقه کار طولانی بودند. وی

قصد داشت بجای این کارگران، کارگرانی را

با مزد کمتر استخدام کند. اتحادیه کارگران

بالاصله فراخوان یک اعتراض و راهیمانی

را داد. در این راهیمانی ۵۰ ساعته بیش

از هزار کارگر شرکت کردند. در تجمع

کارگران یکی از رهبران اتحادیه در طی

سخنرانی اش گفت: اخراج این عدد از

کارگران به معنای اخراج تنها ۲۰۰ کارگر

در این واحد تولیدی نیست بلکه تلاشی

است از جانب سرمایه داران برای تصویب

قانون اخراج کارگران توسط کارفرماهای

حتی کارگران با شغل ثابت هم شامل این

قانون خواهد شد. اتحادیه همچنین کارفرما

را تهدید به اعتراض غذای کارگران کرد.

در نتیجه اعتراض دستگمی و مقاومت

کارگران با دخالت دولت مدیر مجبور به

قبول خواست کارگران بستی بر عدم اخراج

۲۰۰ کارگر شد.

معدن‌چیان اعتسابی پیش‌تستون در سال ۸۹، به شانه آمادگی برای یک نیزد، همه لباس نظامی به تن داشتند



از این‌رو کارگران
اعتراض زند و در مذاکره با کارفرماها
حتی یک وجب هم از خواست خود عتب
نشستند.

سقف تولید روزانه کارخانه ها ۱۹ میلیون
بطری است و اینها حداکثر در هفته کاف

می کنند. طولی نکشید که قطعی آبجو در
کشور مشهود شد و برس بازی بین نظری

را بدنبال آورد. قاچاق آبجو از تنزیل و
دولت و اداره به دخالت شد. تحقیقات شان

داد که مالک ۷۶ درصد سهام کارخانه
های آبجوسازی کشور یک نفر است. وی

مجبور شد اعلام مبنی‌کند که مسئله عملی
مریوط به یک شرکت است و طبق قانون

کارگران آبجوسازی و اتحادیه معق اند که
خواستار قرارداد دستگمی مشترکی در این

روش باشد.

به این ترتیب اعتساب همیشه کارگران

آبجوسازی پس از ۲۸ روز گرمه

"ساترده و مینگر" را که یکی از بزرگترین و

مقتلدرین گروههای صنعتی جهان است
وادار به تسليم کرد. قرارشده برای رسیدن

دستمزدها به سطح کارخانه "باواریا"

دستمزدها در چند کارخانه تا ۲۰۰ درصد

افزایش یابد. اختلاف مزایا نیز در کارخانه های آبجوسازی از زمین تا آسمان بود.

برای مثال حق اولاد در کارخانه "باواریا"

۷۵ هزار پسوس - معادل ۱۰۰ دلار - اما

در کارخانه دیگر فقط ۸۰۰ پسوس بود.

اکنون شرکت ها باید این مابه التفاوت را

به کارگران پیره‌زادند.

اما مهمترین دستاورده همیشه کارگری در این مبارزه مجاله شدن قانون شماره ۵۰ هیئت حاکمه است که به کارفرما اجازه می دهد در ازای غرامتی مختار هر وقت که می خواهد کارگران را اخراج کنند. اتحادیه سراسری کارگران آبجوسازی کارفرماها را مجبور کرد که تامین شغلی را در قرارداد دستگمی بگنجاند.

شکنگ آورترین نکته در این میان آن بود که در طی اعتساب هیچگونه اقدام سروکوبگرانهای از طرف مقابل صورت نگرفت.

واقعه ای بی نظیر در بازار کار کلمبیا نه رهبران اتحادیه زندانی شدند و نه رهبران اعتساب. نه دارایی های اتحادیه مصادره شد و نه حساب های بانکی مسدود شد. نه کسی به قتل رسید و نه حتی کسی زخمی شد. به گفته یکی از رهبران اتحادیه کم و بیش ۳۰ هزار کارگر با ابراز همیشه مشارک داشتند.

از نشریه: نور هنر فلامان، چاپ سوئد

در گیری کارگران معتبر با پلیس در اوروگوئه

تلاش لخ والسا برای جلوگیری از اعتساب

مرکز خبری کارگر امریکا:
سراسری داد. اتحادیه تهدید کرد که اگر دولت با مطالبات کارگران موافقت نکند اعتساب در دستور خواهد بود. یکی از رهبران اتحادیه همیشه هیئتگی دیدار کرد تا از یکی از اعضا سراسری افزايشی افزایش دستمزد گلوبکری کنند. به گزارش خبرگزاری رویتر، اتحادیه برای افزایش دستمزد کارگران توسعه کارفرماها که این نهضتی در میان نیزه‌های انتظامی و تظاهرات کنندگان شد. در این در گیری ساختمانی، کارگران با مطالبه از کارگران زخمی و دستگیر شدند.

همچنین در ابراز انجاز نسبت به سیاست

دولت که به عقیده آنها توسط صندوق بین المللی پول دیکه می شود در همان معدل دست به اعتراض زند.

پس از پایان بازدید رئیس جمهور بزرگ خیابان های پایتخت اروگوئه صحنه زد و خود ره شدیدی میان نیزه‌های انتظامی و

تظاهرات کنندگان شد. در این در گیری تعداد زیادی از کارگران زخمی و دستگیر شدند.

این نهضتی دستمزد در مقابل مجلس مقننه از جنایت کردند. پیشنهاد کارفرماها که این رئیس جمهور از این نهضتی در قدرت رسیدن اکالیه رئیس جمهور اروگوئه از ۱۹۹۰ است. در این تجمع، کنفرادیسیون مستخدمین دولت پرکاری و زیر اقتصادی اروگوئه بودند.

مرکز خبری کارگر امریکا:

بعد ۲۶ مه، پس از پایان بازدید رسی

رئیس جمهور پیشنهاد از مجلس مقننه اردوگوئه صدمتا کارگر ظاهرات کنند در مقابل مجلس با پلیس و نیروهای

امنیتی به زد و خوبه پرداختند.

به گزارش نشریه اسپانیول زبان لیبراسیون،

به فراخوان اتحادیه سراسری کارگران ساختمانی، کارگران با مطالبه درصد افزایش دستمزد و در اعتراض به سیاست

زمان به قدرت رسیدن اکالیه رئیس جمهور اروگوئه از ۱۹۹۰ شد. همزمان با

اعتصاب اقتصادی قبلی در ۴ مه، کارگران خواستار نیز با مطالبه ۳۰ درصد افزایش دستمزد و

دولت ایتالیا برای کنترل پر شتر پر کار

شیرقانوئی، سیستم جدیدی را اتخاذ کرد

که طبق آن به کارگران خارجی اجازه

کار موقت داده می شود.

به گزارش تایمزمالی، این اولین بار است

که یک دولت عضو جامعه اروپا این روش

را اتخاذ کرده است. این اقدام بدنبال ماهها

بررسی در مورد کار غیرقانوئی در این

کشور و همچنین نیاز کشور ایتالیا به وارد

کردن نیزی دارد کار قانوئی اتخاذ شد. طبق

از زیابی دولت ایتالیا در حال حاضر حدود ۱/۲ میلیون کارگر غیر اروپائی برای کار

موقت در این کشور هستند.

طبق قانون جدید، دولت اجازه کار ۶ ماهه

صادر خواهد کرد و کارگران موظفند پس

از انتصاب ۶ ماه از کشور خارج شوند.

کسانی که اجازه کار قانوئی دارند از

مزایای بیمه های اجتماعی برخودار خواهند

شد.

اعتصاب کارگران هیوندای گره جنوبی لغو شد

مرکز خبری کارگر امریکا:

بعد ۲۵ زوشن، بدنبال دخالت وزیر کار

کره جنوبی در مذاکرات اتحادیه کارگران

اوتوسیل سازی هیوندای با کارفرماها

* ارزش انسانها برای مزد

روزانه آنهاست

* هنگامیکه من آدم دیگری میشوم، مثل یک تولد مجدد برای خودم هم هست

ماه گذشته تلویزیون ژاپن فیلمی را که گونتر والراف روزنامه نگار معروف آلمان مخفیانه از شرایط کار کارگران مهاجر ایران در ژاپن تهیه کرده بود نمایش داد. بهمن شفیق از همکاران کارگر امروز در آلمان پیرامون این فیلم و شرایط کار کارگران مهاجر در ژاپن و همچنین نقطه نظرات خود گونتر والراف با وی گفتگویی داشت که قسمت اول آنرا در این شماره می‌خوانید.

گونتر والراف این فیلم را در اختیار نشریه کارگر امروز گذاشت تا در مجتمع کارگران و ایرانیان به نمایش گذاشته شود و عواید آن صرف امو کارگران و مهاجرین شود. این فیلم که به زبان ژاپنی است هم اکنون مراحل فنی دویله خود را از سر میگذراند و پس از آماده شدن توسط کمیته‌های همبستگی با کارگران ایران و شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی در کشورهای مختلف به نمایش گذاشته خواهد شد.

گونتر والراف منتقد، نویسنده، فیلمساز و ژورنالیست معروف آلمانی اخیراً فیلمی درباره کارگران مهاجر ایرانی در ژاپن تهیه نموده است. این فیلم در تاریخ ۹۳/۵/۱۷ از تلویزیون دولتی ژاپن پخش شده است و بیش از ده میلیون نفر آنرا دیده اند.

این اولین کار والراف در نشان دادن شرایط غیر انسانی حاکم بر زندگی کارگران مهاجر نیست و قطعاً جامعه ترین روزنامه ای است که در سال ۱۹۸۶ از شهرتش را میلیون گزارش تکان دهنده‌ای است. این فیلم که سرنوشت زندگی کارگران ترک در آلمان ارائه داد. کتاب "در اعماق" وضع کار و زندگی کارگران ترک در آلمان را از زبان این میان از کلیسا یا زندگانی این است تاکنون به بیش از ۳۰ زبان زنده دنیا و در چندین چاپ گچه در نوشته شده است. فیلم "در اعمق" نیز مختلف، در میلیونها نسخه به فروش رسیده است. این اولین کار والراف در نشان دادن شرایط غیر انسانی حاکم بر زندگی کارگران مهاجر نیست و قطعاً جامعه ترین روزنامه ای است. این فیلم که سرنوشت زندگی کارگران ترک در آلمان را از زبان این میان از کلیسا یا زندگانی این است تاکنون به بیش از ۳۰ زبان زنده دنیا و در چندین چاپ گچه در نوشته شده است. فیلم "در اعمق" نیز میلیون تیراژ دارد گزارش تکان دهنده‌ای از تعریف حقایق و تحقیق افکار عمومی توسعه داده شده است. در این روزنامه ای از آن نیز عاقبت جدی ای برای این روزنامه در برداشت و در حد قابل توجهی از تیراژ آن کاست و چهره دروغ پرداز آنرا آشکار ساخت.

والراف به انتقاد از جامعه آلمان کفایت نکرده و آنجا که توانسته است نقش خود را بعنوان یک انسان منتقد علیه بیعتالیتی ها ایفاء نموده است. از جمله در دوران دیکتاتوری سرهنگان در یونان وی به یک آکسیون اعتراضی در مقابل پارلمان یونان دست زد و نقض خشن حقوق پایه‌ای انسانهای معارض در آن جامعه را مورد حمله قرار داد. در نتیجه این آکسیون وی ۱۴ ماه را در زندانهای دیکتاتوری سرهنگان یونان بسر برد. امری که با آن شروع کرد.

والراف را بیشتر سبب افسای حکومت سرهنگان شد. نقش اجتماعی والراف برای وی دشمنان و دوستان زیادی به ارمغان آورده است. والراف هدف تهدیدهای مکرر فاشیستهای آلمان واقع شده و از دوستی هزاران کارگر مهاجر ترک و هزاران پناهنه و پناهجو، برخوردار است. این بار وی در نقش "علی علوی" کارگر مهاجر ایرانی در ژاپن دست به فعالیت زد. تردیدی نیست که کارگر مهاجر ایرانی، نه فقط در ژاپن، و کل جنبش کارگری ایران بعنوان پاداش این اقدام، والراف را بیشتر از پیش دوست خود خواهند دانست.



شدم. اتفاقاً این هم تصادفی بود که من در ژاپن خیلی محبوبیت داشتم. کتاب "در اعماق" در چندین چاپ مختلف منتشر شده، فیلم آن هم سه بار از تلویزیون دولتی پخش شده بود. در حال مسافرت بودم که ویارت بازگشای ژاپن میخواست با من صحبت کند که چطور میشود علیه کارگران غیر قانونی اقدام کرد که من به آنها وقت ملاقات ندادم و تصمیم گرفتم از محبویت استفاده کنم و همانجا دست به اقدام بزنم، برای من قرار گرفتن در بیگانه ترین شرایط محرك خیلی بزرگ است. هر چه شرایط برایم بیگانه تر باشد به همان نسبت بیشتر میتوانم چیز بزرگیم، به همان نسبت کثیر کلیشه های از پیشی هست. بیووه که همچوچوت در ژاپن و بطری کلیه نیازها باید های پاییتی جامعه میروید.

فیلم شما در مورد وضعیت کارگران مهاجر ایران در ژاپن هم عنوان "در اعماق" را دارد. گویی شما در این تغییر نشیوه به لایه های پاییتی جامعه من میکنم آنچه داشتم. تجربه ای داشتم که من باید مورد نهادم. این فیلم شما در سازمانهای چپ عضو نبودم، من همیشه خودم را با انسانهایی که عزم نیک دارند جامعه را انسانی تر و قابل تعامل تر کنند مرتبط داشتم. ام ابتدا با انگیزه های مسیحی وارد فعالیت شدم - گچه در این میان از کلیسا یا زندگانی این است تاکنون به نظر من راس کلیسا زیادی غیر انسانی و بنیادگر شده است و یا همیشه بوده - ولی خودم را در سنت روشنگری میدانم، هومانیست و مم چین من فکر میکنم آنچه است که باید مورد تأکید قرار داد. برای اینکه بقیه چیزها را بخواه همه میدانند و من بطور دارای مدت میشود از زندانها، تیمارستانها و بیماری شرایط کار دست یافت. بعنوان توریست آدم از روی این ریشه ها را رد میشود. اینطور شد که این کشور را با تمام تفاوتها واقعه شناختم. آنچا را با آلمان تمیشود مقایسه کرد. داشتن این مهم است. اولین بار کشوری را از این زاویه شناختم. بعنوان توریست هم شاید آنچا را خیلی غریب می‌یابم و با یافته و لی همچوچوت به ریشه های این جامعه نمیرسیدم، به این فقط شدم که این کشور را به این تفاوتها واقعه شناختم. آنچا را با آلمان تمیشود شرایط کار دست یافت. بعنوان توریست آدم از روی این ریشه ها رد میشود. اینطور شد که این کشور را با تمام تفاوتها واقعه شناختم. آنچا را با آلمان تمیشود مقایسه کرد. داشتن این مهم است. این تجربه ای داشتم که من باید مورد نهادم. این فیلم شما در جامعه شکل جدیدی به خود میگیرد مجدداً تعريف میکنم، بدون اینکه اینها در کارخانه ها بعضی وقتها خوب کار داوطلبانه بود. کشافی بود که من شها تعلق نداشت. حزب کمونیست آلمان (غیری) را میکنم آنده حزب حاکم آلمان شرقی (حزب سوسیالیست متحده) میدانستم گچه به من ضریب زد. این یک شکستشوی مغزی داوطلبانه بود. کشافی بود که من شها را توانستم خودم را از آن پاک کنم. برخلاف آن، تفاهی درون کارگران از نظر یا همیشه رده بندی کرد، چونکه من بخود را با کل جامعه و با ناخوشی هایی که همیشه در جامعه شکل جدیدی به خود میگیرد مجدداً تعريف میکنم، بدون اینکه وفاداری به خود را کنار بگذارم. در حرفک من این یک امر مدام است بدون اینکه به پایان رسیده باشد. شاید من جواب ویژه ای را هم شکل میدهند که در معیط های دیگر از بین رفته اند و یکسری بزرگی بر حاکم است، رقابت در میان یکیگر بر مبنای منفعت، همراه با جدا کردن خود از دیگران. ادر جامعه کارگری هنوز یک وضعیت مشترک بودن و مسرونوشی وجود دارد و من نزدیکی به آن را همراه اصلانه نمیگیرم. به همین علت همیشه فانتزی جدید میگیرم. به همین علت همیشه میدانند. کار من یک رفاقت اصله دیگر همه به آنچا کشیده میشون. اگر زمانی این را کنار بگذارم میتوان بدمع مرد فن کنند.

اگر بخواهیم به موضوع مهاجرین در ژاپن بر گردیم، چهار شد که به این فکر اقتادید؟ انگیزه های شما چه بود؟ من دنبال این موضوع بودم هم سمت و یک جامعه میگردید. کار من یک رفاقت اصله دیگر همه به آنچه دشمنان بودند برای آدمها بخشا آزار دهند تر از وقتی باشد که مثلاً درگیری هست، خبری هست، دعواهی هست، و آدم میتواند دود هم جمع شود و از خودش دفع کردن آدمها، از درون نگاه کردن بیرون آنکه خود آدم را بینند. من تا بحال معتبر این میگیرم. به همین خاطر خیلی سخت بود که بشود (واسیس آنچا را) ارزیابی کرد. من هم در شرایطی وارد آنچا شدم که خود را اینکه بطور چونکه آمادگی هست، بیماری و حساسیت به موضوع هست - از طریق یکی از آشناهای این بیماری کارگران را هم دک کنند. میخواستند بگذارند سستله خودش حل شود و یا بوسیله "یاکوزا" که چنین بقیه در صفحه ۹

چشم میکنند و با آدم به نوعی آشنا

شما برای خوانندگان نشریات فارسی زبان چهار آشناپی هستید. پسیاری کتاب شما در اعماق را خوانندگان و تصویری از چهار شوک و از طرف دیگر نوعی رها شدن است. یعنی به این پی میگرم که واقعاً چهار دارند. خود شما چه تصویری از خودگان اراده میدیدید؟ میشود شما را یک قرآن‌پاییت انتقادی یا ژورنالیست چه نامیدی یا چیز دیگری؟ تبیین شما از خودگان چیست؟

من هیچوقت در سازمانهای چپ عضو نبودم، من همیشه خودم را با انسانهایی که عزم نیک دارند جامعه را انسانی تر و قابل تعامل تر کنند مرتبط داشتم. ام ابتدا با انگیزه های مسیحی وارد فعالیت شدم - گچه در این میان از کلیسا یا زندگانی این است تاکنون به نظر من راس کلیسا زیادی غیر انسانی و بنیادگر شده است و یا همیشه بوده - ولی خودم را در سنت روشنگری میدانم، هومانیست و مم چین من فکر میکنم آنچه داشتم. تجربه ای داشتم که بقیه چیزها را از طرف چیزی که از زیمها حرف شنید داشتم و بعده از این تجربه ای داشتم. تجربه ای داشتم که این کشور را با این نظر روانی (غیری) را میکنم آنده حزب حاکم آلمان شرقی (حزب سوسیالیست متحده) میدانستم گچه آنها در کارخانه ها بعضی وقتها خوب کار میگردند. من فکر میکنم مردم را نمیشود در جای خاصی رده بندی کرد، چونکه من خودم را با کل جامعه و با ناخوشی هایی که همیشه در جامعه شکل جدیدی به خود میگیرد مجدداً تعريف میکنم، بدون اینکه وفاداری به خود را کنار بگذارم. در حرفک من این یک امر مدام است اما از نظر روانی (غیری) میگردید. کاری که با آن شروع کرد، میکردیم شاید من کماکان غزل سرایی داشتم. از جمله در یونان رسیده باشد. شاید من جواب ویژه ای را هم شکل میدهند که در معیط های دیگر از بین رفته اند و یکسری بزرگی بر حاکم است، رقابت در میان یکیگر بر مبنای منفعت، همراه با جدا کردن خود از دیگران. ادر جامعه کارگری هنوز یک وضعیت مشترک بودن و مسرونوشی وجود دارد و من نزدیکی به آن را همراه اصلانه نمیگیرم. به همین علت همیشه فانتزی جدید میگیرم. به همین علت همیشه میدانند. کار من یک رفاقت اصله دیگر همه به آنچه دشمنان بودند برای آدمها بخشا آزار دهند تر از وقتی باشد که مثلاً درگیری هست، خبری هست، دعواهی هست، و آدم میتواند دود هم جمع شود و از خودش دفع کردن آدمها، از درون نگاه کردن بیرون آنکه خود آدم را بینند. من تا بحال معتبر این میگیرم. به همین خاطر خیلی سخت بود که بشود (واسیس آنچا را) ارزیابی کرد. من هم در شرایطی وارد آنچا شدم که خود را اینکه بطور چونکه آمادگی هست، بیماری و حساسیت به موضوع هست - از طریق یکی از آشناهای این بیماری کارگران را هم دک کنند. میخواستند بگذارند سستله خودش حل شود و یا بوسیله "یاکوزا" که چنین بقیه در صفحه ۹

چشم میکنند و با آدم به نوعی آشنا

نشیوه "لیبر نتر" در خدمت پارلمان اقتصاد

بقیه از صفحه ۱۱

حقنه کردن الگوی دولت های سویا

دولت کارگران به عنوان راه نجات کارگران آنهم در شرایطی که بغل گوش کارگران آمریکا دولت حزب دمکرات جدید کانادا را از علیه کارگران دست حزب محافظه کار را از پشت بسته است، چیزی نیست جز تلاش برای چندین دهه بعقب کشاندن جنبش کارگری، دولت حزب دمکرات جدید در ایالت انتاریو کانادا در حال بسراجنم رساندن آنچیز است که دولت حزب محافظه کار در دوره زمامداری مالرونی از عهده اش بر نیامده است. این دولت در پیشبردن سیاست های راست اقتصادی خود چنان مصمم است که حتی باب وایت رهبر کنگره کار کانادا و حلقه کلیدی میان یونیونیسم و حزب دمکرات جدید را را در به موضوع گیری علیه خود کرد و ناچارش ساخت که در مصاحبه با رسانه های رسمی کشور اعتراض کند که کارگران در دولت نقش رابطه با تأمیت موضوع کارگران در مقابل سیاست باریزی داشته باشند.

کسانی که با ایلات حزب کموئیست کارگری آشنا هستند و تحت تاثیر این ادبیات بدرستی بر این پایه میفشارند که "هر دو خشتش را که کارگران در مبارزه شان رویهم میگذارند باید از هم واکند" ممکن است تشکیل حزب سوم موره تبلیغ در کنفرانس را با این دو خشت تداعی کنند و در دراز مدت هر چه بیشتر با چنین زنان، گروههای کلیساها، فعالین "جنبش ضد فقر" متعدد شوند.

کسانی که با ایلات حزب کموئیست

این ادعاست که "بالات مناسب میان دولت و کمپانیها و مردم" همان "مجددا کارگران و مدیریت در کنار هم قرار گیرند" بیل پرده رادیکالیسم تزئینی سخنرانی را کنار بزیم از پشت سخنه برخیزیم دهه بعقب کشاندن جنبش کارگری، دولت حزب دمکرات جدید در ایالت انتاریو کانادا در حال بسراجنم رساندن آنچیز است که دولت حزب محافظه کار در دوره زمامداری مالرونی از عهده اش بر نیامده است. این دولت در پیشبردن سیاست های راست اقتصادی خود چنان مصمم است که حتی باب وایت رهبر کنگره کار کانادا و حلقه کلیدی میان یونیونیسم و حزب دمکرات جدید را را در به موضوع گیری علیه خود کرد و ناچارش ساخت که در مصاحبه با رسانه های رسمی کشور اعتراض کند که کارگران در دولت نقش رابطه با تأمیت موضوع کارگران در مقابل سیاست باریزی داشته باشند.

تکلیف کنفرانس لیبرتری از موضوع یک کارگر سوسیالیست کاملاً روش است، این فقادن حزب کارگری، دموکراسی آمریکایی که از نظر گروه مدافعن حزب کارگری متحکم خواهد شد. به زبان روزنامه آمریکایی بدون ریگان البته در چهارچوب "قرارداد جدید" اعاده شده روزولت برهبری پیل کلیشن آرمنشهر گروه مدافعن حزب کارگری است.

تاریخچه ای از مبارزه برای کاهش ساعت کار در آمریکا

سپید پوست) متعدد برای خواست ۱۰ ساعت در روز فرخوان اعتصاب دادند. این اولین اعتصاب عمومی در جنوب آمریکا بود که کل شهر را تعطیل کرد. کارگران کشیدن ۲۵ هزار کارگر در سراسر کشور پیروز شدند و باعث کاهش ساعت کار در تمام بخشها گردید.

ترجمه از جزو "کمیته سازمانده همبستگی" آمریکا

مبارزه برای کاهش ساعت کار تاریخ نجاران فیلادلفیا برای خواست "در آینده روز کاری ما از ساعت ۶ صبح شروع و در ساعت ۶ بعد از ظهر تمام میشود" دست به اعتصاب زدند.

این اولین اعتصاب برای کاهش ساعت کار در آمریکا است که ثبت شده است. نجاران خواهان از پین رفتن ۱۵ ساعت کار روزانه بودند. از آن تاریخ تا ۲۰۰ سال بعد کارگران مشغول مبارزه برای کاهش ساعت کار میباشد.

در زمان جنگ داخلی، در اواسط سالهای ۱۸۰۰ کارگران به خواست ۱۰ ساعت کار در روز رسیدند ولی در دوره رکود اقتصادی بعد از جنگ داخلی آنرا از ۱۰ ساعت کار رسیدند. این سال ۱۸۶۶ اولین فدراسیون کار، اتحادیه سراسری کار، در تاریخ آمریکا بوجود آمد. تنها خواستی که اتحادیه های موجود آن زمان را برای اولین بار به یکدیگر تزدیک کرد مبارزه برای روز کار ۸ ساعت بود. شعارشان این بود: "اگر کار کنترال میکنید یا روزانه، کاهش ساعت کار یعنی افزایش دستمزد".

در سال ۱۸۷۲ صد هزار کارگر ساختمانی به مدت سه ماه برای خواست ۸ ساعت کار در روز دست به اعتصاب زدند. این بزرگترین اعتصاب تا آن موقع بود. کارگران خوین ۱۰ ساله بالآخر ساعت کار روزانه پالماتاریسم شسته و روفته تقاضان کارگران معدن ایجاد کردند. مبارزات خوین آلترا ناتیو ارائه شده از طرف کنفرانس حتی برای مبارزه گروه مدافعن حزب کارگری، حزب مستقل کارگری ایزار اعاده دموکراسی است: "برای اعاده دموکراسی حکومت اکثریت ضروری است که کارگران در دولت نقش یعنی همه شهروندان عزیز میدانیم".

در سال ۱۸۸۴ یکی از فدراسیون های کار

کارگران کارگر ساختمانی

که مدت سه ماه برای خواست ۸ ساعت کار

در روز دست به اعتصاب زدند. این

بزرگترین اعتصاب تا آن موقع بود. کارگران

روز (صنعت) خواست کاهش ساعت را

ماه مه سال ۱۸۸۴ در شیکاگو سازمان

توانست آنرا در دوره رکود اقتصادی سالهای

کارگران تمام دنیا شد. در سال ۱۸۸۲ کارگران

مجددا دست به اعتصاب زدند. سی هزار نفر

اورلن، کماکان ۱۲ تا ۱۴ ساعت بود. سه

اعتصابهای نیویورک دست به تظاهرات زدند.

شعار ظاهر کنندگان این بود: "۸ ساعت

کارگری که برابر میگردند و

ساعات کار در روز برابر دهه ها شعار

کارگران تمام دنیا شد.

ساعات کار روزانه در سال ۱۸۹۲ در نیو

نیو، زندانی شدن ۱۳۴۵ نفر و تبعید ۷۷۳

کارگر از ایالت بالاگه نزد برای روز کار

باقیه در صفحه ۱۲

بیکارسازیها

در ایران

کسترش

می یابد

باقیه از صفحه ۳

* کارگران کارخانه پارسیلون خرم آباد در

آستانه پیکار شدن از کار قرار دارند.

کارخانه پارسیلون خرم آباد که بزرگترین

کارخانه تویلید کننده انواع یافع مصنوعی

در ایران است، بدليل کمبود مواد اولیه در

آستانه پیکار شدن از کارخانه ها اعلام

شده، برای تعمیلش نیرو سازمان داده شده، و دست آخر

بخارفرازی ناگزیر شده به باران راضی شود تا

طبقان در

کارگران به واسطه کاهش تولید شده است.

وی افزود: ما تا کنون جلوی وقوع وسیع

این امر را در سطح وسیع گرفته ایم. اما

بیکاری وسیع همچنان استان را تهدید میکند.

* علی محمد غربیانی رئیس کسیلون

کار و امور اجتماعی مجلس شورای اسلامی

در اردوی پیشنهاد شرکت در مراضی دولت

هفته کارگر گفت: روند رو به رشد اخراج

کارگران از کارخانجات سراسر کشور نگران

میکند. این کارخانه وابسته به بانگ

بعضی شغل میان زنان و مردان نیز تاثیر

میگذارند و وجود این قوانین میتواند علت

اینکه چرا تبعیض در اشتغال بین زنان و

مردان در کشورهای آمریکای لاتین از

ایالات متحده اکه در آنجا چنین قوانین

حایاتی ای کمتر عمومیت دارند) بیشتر

است را، توضیع دهد.

نتیجه

چنانکه در این نوشته برسی شد تبعیض در

اشغال بین زنان و مردان نقش مهمی در

تبعیض و تفاوت دستمزدها و درآمد بین

زن و مردان دارد. برخی از فاکتورهایی که

این پدیده را توضیع میدهند، فاکتورهایی

مربوط به خارج از بازار کار هستند (از

جمله فاکتورهایی نظیر تاثیر والدین و

ملعبین مدارس) و برخی دیگر اقدامات

برنامه ریزی است و مردان بیشتر از

زنان برای تغییر شغل، کار خود را ترک

میکنند. از اینرو برای غلبه بر الگوی

تاثیر پذیرفته و تغییر کنند.

تبعیض در اشتغال، در پیش گرفتن

کارگران به واسطه کاهش تولید شده است.

وی افزود: ما تا کنون جلوی وقوع وسیع

این امر را در سطح وسیع گرفته ایم. اما

بیکاری وسیع همچنان استان را تهدید میکند.

* استاندار آذربایجان در جلسه کمیته

معنی تبعیض آمیز کارفرمایان (اظهار

تبعیض آماری) هستند. همه این فاکتورهای

میتوانند توسط اقداماتی از جانب دولتها

تاثیر پذیرفته و تغییر کنند.

تبعیض در اشتغال، در پیش گرفتن

کارگران به واسطه کاهش تولید شده است.

وی افزود: ما تا کنون جلوی وقوع وسیع

این امر را در سطح وسیع گرفته ایم. اما

بیکاری وسیع همچنان استان را تهدید میکند.

* استاندار آذربایجان در جلسه کمیته

معنی تبعیض آمیز کارفرمایان (اظهار

تبعیض آماری) هستند. همه این فاکتورهای

میتوانند توسط اقداماتی از جانب دولتها

تاثیر پذیرفته و تغییر کنند.

تبعیض در اشتغال، در پیش گرفتن

کارگران به واسطه کاهش تولید شده است.

وی افزود: ما تا کنون جلوی وقوع وسیع

این امر را در سطح وسیع گرفته ایم. اما

بیکاری وسیع همچنان استان را تهدید میکند.

* استاندار آذربایجان در جلسه کمیته

معنی تبعیض آمیز کارفرمایان (اظهار

تبعیض آماری) هستند. همه این فاکتورهای

میتوانند توسط اقداماتی از جانب دولتها

تاثیر پذیرفته و تغییر کنند.

تبعیض در اشتغال، در پیش گرفتن

کارگران به واسطه کاهش تولید شده است.

وی افزود: ما تا کنون جلوی وقوع وسیع

این امر را در سطح وسیع گرفته ایم. اما

بیکاری وسیع همچنان استان را تهدید میکند.

* استاندار آذربایجان در جلسه کمیته

معنی تبعیض آمیز کارفرمایان (اظهار

تبعیض آماری) هستند. همه این فاکتورهای

میتوانند توسط اقداماتی از جانب دولتها

<div data-bbox="446 1298 783



I'd like to ask you more specifically about the immigrant workers. But I first have to stop at a point you made earlier. You said you can find out about a country through its prisons, mental institutions and the harsh working conditions. I have not seen hard working conditions compared to prisons and mental hospitals.

I am talking about inhuman working conditions where people are counted not as humans but as beasts of burden; they are treated as disposable humans. They are captive to conditions where there is no future. You could say that the ancient slave societies were more humane since at least they wanted to keep their slaves alive for a longer time for their labour power. But this is not the case today. Human beings are so expendable as to lack any worth. Their value is measured by their daily wage, or is equal to the work they are doing: in construction workshops or in cleaning, which are among the most hazardous. And once the work is done and the workers' health has been damaged, and in some cases cancer diseases have developed, the workers are dumped. I mean, our modern society reduces the human being even below the level of former slaves. That's why I put them all in the same category. For people who are driven to these conditions, the consequences are sometimes the same as those in prisons and mental institutions.

And it is getting worse. When I was toiling for two years as a Turkish worker I got paid 6 or 7 marks an hour. Today there are Rumanians working in construction for 3 marks an hour.

I'd like to turn to more specific questions. First of all, I am glad that you decided to make this film starting from the other end, i.e. from the viewpoint that you wanted to do something about the situation of immigrants workers in Japan.

Yes. And the Iranian immigrants were chosen because they are the latest group to have arrived there and who are under greatest pressure. They had to do the harshest and unhealthiest jobs; the industry found them attractive, as they knew them to be prepared for the hardest jobs without consideration for themselves. They were very productive and resilient. They all knew that they are useful for certain types of work and are prepared to do jobs others would say no to.

You mean, the other immigrants would refuse to do these jobs?

No, they were also prepared. There are around 500,000 so-called *illegal* immigrants, this being the result of the fact that Japan has completely sealed itself off and, since the Geneva Convention, only admitted 200 refugees. The Iranians were the last group to arrive, and today they are the first ones to go. I have seen people who had to put their health on the

line - and this is also in the film. That's why I took on the role of an Iranian. Because of my appearance, I could not easily appear as a Malaysian or a Korean, but I might just as well have been able to do the work as a Pakistani, a Bangladeshi or an Indian.

We don't see the actual working conditions in the film. Did you see these workers also at work?

Unfortunately I learnt about the working conditions through the workers' own accounts. In one case I was able to work with them. But here too filming was very dangerous and therefore impossible. As they are not hiring new workers now it was not possible this time - though I tried to convey a picture from within the conditions themselves.

Even the Japanese are not being hired. The recession is such that the Japanese economy, which we used to call 'spongy' - since for big business this is a pseudo-economy - is now plunging so low that there is unemployment in certain areas, and among the workers there is a growing fear of job losses. And jobs are being destroyed. Until now the Japanese system was a feudal system in which the worker was under the absolute control of the employer; they identified themselves - even the details of their lives - with the [system] - as far as doing overtime without pay, skipping holidays, etc. On the other hand, there was in this system the feudal duty of looking after and supervision, such that even during bad times [the employer] would hold on to its workers. Now we are seeing here a complete reversal, so that in some cases even their own workers are being laid off.

You said the Iranian workers were the latest wave of immigrants who are prepared to do the toughest jobs under the severe conditions. In the film there was an Iranian worker who said he was prepared to work twice as hard as a Japanese worker. To what extent can this be observed? If you noticed this as an observer - albeit a perceptive observer - so must the other immigrant workers and the Japanese workers. Don't these create tension between the immigrant workers, on the one hand, and among workers as a whole?

Yes. There was one case in which an Iranian worker was beaten up by his Japanese colleagues because he had been working much more than they - not voluntarily, though; he had been made to do the work. But he was not prepared to say these things in front of camera. He was afraid.

There are divisions too, with one group of workers being pitted against another. The immigrant Iranian workers are seen as piece-work robots, because they are younger and not yet worn out, and are willingly prepared to do whatever jobs are at hand. And so they are put to work to the last bit of their energy. I [myself] came across that case of beating up of the Iranian worker, but I'm sure such incidents are more common. I couldn't show them on film as there is a lot of fear.

WORKER TODAY

What is the situation of immigrant workers in terms of social security - for example unemployment insurance, insurance against sickness and accidents, etc?

They lack all social rights. They have to perform their acrobatics on high ropes without a safety net below. And when there is an accident, even the accident itself is not registered in police files; as if nothing had happened. The police and the employers are so tied together that they ignore all such things. I met Iranian labour immigrants in hospitals who had been in very serious accidents in which the employer was to blame since there were no safety facilities - crash helmets and work shoes, for example. Or trucks were overloaded and had dropped their loads on the workers. These workers had either become nearly paralysed through spinal-cord injury or lost their hands or feet. And nobody would accept responsibility. The workers were glad just by the fact that they were getting treatment in the hospital.

After this nightmare was over and they could stand on their feet, these workers would be deported, or, fearing deportation, they would go into hiding among their work mates.

Such crimes, which are created because of lack of safety facilities and due to the profit greed, are not taken up by the legal authorities. Such conditions have existed and still exist. There are no unemployment insurance, sickness benefit or any other social insurance schemes. In some cases they work for half the wages of a Japanese worker. And even here part of the pay is taken by the middlemen; or these middlemen send them to work, get the money and pay them half of it. These are the conditions there.

How serious is the danger of deportation?

If your passport has run out they can deport you at any moment and during any inspection. There are constant patrol operations and raids at night. Once they set a trap: in the Yogi park where [the Iranian workers] gather at the weekends, the police went there with loud-hailers and leaflets and said, come and contact the police, and we will help you. Many did so and they were deported. For this reason the workers are very distrustful of the police. In response to the nationalist sentiment in Japan, which is very strong - not racist as in, for example, Germany, but which, at any rate, wants to keep Japan sealed off - there are constantly waves of such raids during which scores, and even hundreds, of people are arrested and deported.

What is the estimate for the number of Iranian immigrants in Japan?

The official figures speak of 40,000, but it may be many more than that.

Let me turn to another question. How have the immigrant workers reacted to their situation? Have they been organising? Are there any signs of it?

I noticed that there is a high readiness for co-operation among themselves. They hide each other, and those with residence permits help the others. They have organised schools where they meet after work and Japanese is taught. I saw splendid initiatives being taken.

employers pay damages. But this is a very small group. It is so small that I must say that, in proportion to this mass misery, the work being done is hopelessly little. Although, to my mind, the existence of such groups all over the world means that there is a future - i.e., beyond fractions, parties and world outlooks, from the standpoint of humanitarian solidarity. I saw several times how at weekends they kept their offices open for visits late into the night. But it is usually by chance that people get to know about the existence of such groups.

(Part two in our next issue)

Kurdish government • • •

From page 16

The meeting was to discuss the unemployed workers' grave situation and press the government to provide the workers' monthly share of the foodstuffs arriving in aid packages to Kurdistan - something which the government had refused to do.

The Kurdistan government reacted to the union's demonstration call by using force to intimidate the workers. Announcing a military manoeuvre for the same day, the government, through its press and radio and TV, launched a vicious propaganda campaign against the union, calling its activists 'subversives' and 'fifth columnists' for the enemy. A number of union workers were also arrested.

Following protests by the workers at the arrests, and after the restart of negotiations with the officials, the government was forced to release the arrested activists. Eight tons of rice were also handed over to the union for distribution among the unemployed.

The union's representatives will also take part as observers in the board which supervises the food distribution.

The Kurdistan Unemployed Workers Union is believed to have at present a membership of nearly 30,000 workers.

Worker Today strongly condemns acts of repression and violence perpetrated by the Kurdistan government against the unemployed workers. Had these attacks not been resisted by the working people, the new rulers of Kurdistan would not hesitate to try and restrict the activities of the opposition parties. The government, which has not recognised the right to organise and freedom of strike, demonstration and labour activity, will no doubt try its hands again with further such acts of repression. Only the working people's preparedness and mobilisation can harness them.

In the Persian Section

In addition to the articles published in the English section, the Persian section of this issue contains the following main articles:

■ Report from the joint meeting of Austrian federation of trade unions, ÖGB, and the Iranian-Austrian Labour Solidarity Committee
■ Wage increase: Iranian workers' most urgent demand ■ Child labour in Iran - a statistical review

■ Workplace reports: - Piroozi Shoe Plant - Metal-rods manufacturer - Hepko - Arak Rail Wagon Plant - Razi Petrochemicals ■ Political significance of Labor Notes conference for the US labour movement - article ■ 6 for 8 - article on shorter working hours ■ History of struggle for shorter working hours in the US.

The international and Iranian workers' news are published in more detail in the Persian section.

ISSN 1101-3516

کارگردانی
WORKER TODAY
An International Workers Paper

Editor: Reza Moqaddam

English Section: Bahram Soroush

Address: W.T., Box 6278, 102 34 Stockholm, SWEDEN

Fax: (46) 8 - 52027259

Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of

Six months

One year

Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____

Address _____

Postcode _____ City _____ Country _____

Subscription Rates

Europe

1 Year SKr140

6 Months SKr80

Elsewhere

1 Year SKr210

6 Months SKr120

■ Institutions double the rate.

■ All prices include p&p.

People's worth today is equal to their daily wage

Günter Wallraff talks to Worker Today about his latest film on immigrant workers in Japan

In May, Japan's national TV showed a film by Günter Wallraff, the famous German journalist, on the condition of Iranian immigrant workers in Japan. Bahman Shafiq, *Worker Today* co-worker in Germany, talked to Günter Wallraff about the film, the condition of immigrant workers in Japan and about his views. Here we publish the first part of this interview. The translation is, indirectly, from the Persian translation of the interview.

Günter Wallraff has also provided *Worker Today* with a copy of the film for showing in workers' meetings and Iranian immigrants' gatherings in various countries. Proceeds from the film will go to the workers' and immigrants' cause.

Günter Wallraff, famous critic, author, film maker and journalist from Germany, has recently made a film about Iranian immigrant workers in Japan, where it has already been shown on the national TV, and seen by over 10 million viewers.

This is, of course, not Wallraff's first work in depicting the inhuman conditions under which the immigrant workers are living, and certainly not his most comprehensive. Wallraff's fame is most due to the startling report that he published in 1986 on the condition of Turkish workers in Germany. The *Lowest of the Low*, as the book is called, is an account of two years of his life as a Turkish worker (Ali) in Germany. The book has been translated into more than 30 languages and published in millions of copies. The film version is based on films taken in secret over this two-year period. *Lowest of the Low* is Wallraff's indictment against the inhuman conditions in German society.

Some years earlier, in the role of a journalist for the daily *Bild*, Wallraff had published a shocking account of the methods of falsifications and deception used by the *Bild*. The publication of the book had serious consequences for the paper and led to a substantial reduction in its circulation.

Wallraff has not stopped at the criticism of German society. In the days of the military coup in Greece he was involved in a protest action in front of the Greek Parliament against the repression. That cost him 14 months in prison.

Günter Wallraff's efforts of social criticism have earned him many friends; but also many enemies. He has been the target of numerous threats by fascists in Germany. At the same time he has enjoyed the friendship and affection of countless working men and women.

- Bahman Shafiq

Worker Today: How would you describe yourself: as a critical journalist, a left journalist?

Günter Wallraff: I have never been a member of left organisations. I have always considered myself close to people who are resolved to make society more human and more tolerable. In my work I was first inspired by Christian motives - though I have left the Church because, in my view, at its top it has become, or has always been, too inhuman and fundamentalist. But I consider myself in the enlightenment tradition; humanist, as well as an un-dogmatic left.

I've never belonged to parties which listened to regimes. I always considered the (West) German Communist Party (DKP) an outgrowth of the ruling party in East Germany - the United Socialist Party (SED), although in factories sometimes they used to do good things. I don't think I can be classified in a specific category, since I always redefine myself with the whole society and the social injustices which appear in new forms; I do this without giving up my belief in myself. This is an ongoing movement with me. Perhaps I am a particular answer to our society's injustices. If we were living in a really democratic society, perhaps I would be



writing lyrics - something I started with.

Your journalism is not of the most usual type.

No. And everyone now knows this. My work is a necessary basic behaviour; a kind of addiction. It is not just an attempt to find injustices, not only a hunt for abuse of power. It is a search for myself too; a romantic dream also. When I become somebody else, this is like a rebirth for me. Then I come to experience society in a completely different light - sometimes in a shocking way. Since a writer, and one who is quite well-known to people, senses the world in a filtered manner. I mean, people treat you in a different way; in a conciliatory way. By changing identity I return to my origin. This on the one hand is a shock, and, on the other, a sort of release. I find out what really is going on, and what the problem of most people really is. The world of the intellectuals in our country - without wanting to generalize - is very privileged. That's why many [of them] have conformed to the situation, and have become sterile. Only exceptions remain.

Your film on the condition of immigrant Iranian workers in Japan is also called *Lowest of the Low* (Ganz unten). It seems that in these change of roles you always go to the lower social layers.

I think it is there that should be stressed. Because the other issues are generally known. And I don't expose myself to other roles for a longer period of time. My role as a *Bild* journalist hurt me. This was a voluntary 'brainwash'; a dirt I could not wash myself off at nights.

In contrast, the roles among workers are physically very demanding and have in some cases damaged my health. But they have built me up psychologically. There, there is a solidarity between the various nationalities. Where people suffer, they also give

expression to human qualities which have disappeared in other milieus. Here you have a coldness over life, there is competition on the basis of self-interest, there is this separating yourself from the others. In the working-class community there is still a climate of solidarity and having a common cause. And this is something I always want to get close to; I get new strength and new fantasy from it. That's why I am drawn there. If I were one day to stop, they might just as well bury me.

Turning to the issue of immigrants in Japan, what made you think of the idea? What were your motives?

I'd been following this issue, until I accidentally, through an acquaintance, became aware of the total lack of rights of Japan's latest labour immigrants and of their hopeless situation. (It doesn't mean much to say 'accidental', as there is always some readiness, some alertness, and a sensitivity in the issue.) It was also by chance that I was very popular in Japan. The book *Lowest of the Low* had gone through a number of printings, and the film had been shown on the national TV three times.

At first, Japan's trade ministry wanted to talk to me about how to counter illegal workers, and I did not agree to meet them. But I wanted to take advantage of my popularity and set to work right then and there. For me to be placed in a most unfamiliar situation is a big motive. The more unfamiliar the situation, the more I can learn, and the less will be the pre-judgements. This was especially true of Japan as I had never been there - or Asia for that matter. That is how for the first time I got to know a country from this position and angle. Even as a tourist I may have found the place unfamiliar, but I would never have reached to the roots of the society. This can only be achieved through the prisons, mental institutions and the wretched working conditions. As a tourist, you walk past these roots. That is how I

really got to know this country with all its contrasts. You can't compare it to Germany. This is important to know. Each has to be studied on its own.

As far as I could tell, there is no open racism in Japan; anti-foreigner slogans are not prominent; you don't have physical violence [against foreigners]. On the whole, I was very surprised at the extent to which there is apparently a lack of aggressive mentality, and that indifference prevails. But inside things are different. Rejection, looking through you without noticing you. I'd never come across a situation where as a foreigner you are so completely ignored in public places - in the subway, for example. They look through you to the other side as if there was no one there. Sometimes this can be more disturbing than when there is for example a fight on, when you can at least defend yourself. There was nothing of the sort, and that's why it was so difficult to assess [the racism] there.

I arrived in Japan when the Japanese themselves had no chance of finding jobs. They too were being laid off. The problem was left to itself to resolve, or to *Yakuza* which makes people subservient and uses them in different occupations, like buying and selling forged telephone cards, etc.

You mean the Japanese mafia.

Yakuza is the largest organisation of organised crime in the world. It operates much more efficiently than the Mafia and has expanded into the political circles. That's why it has not been combatted until now; like the situation that has happened with the Mafia in Italy. It is an established form of organised crime, controlling entire occupations, such as prostitution, drugs trafficking, bars and cabarets. They are involved in the construction business and in foreign exchange markets too. They also trade in people, including immigrant workers, and interfere in politics.



WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Page 16, Vol.4, No.38, July 1993

Sweden	SKr14
Denmark	DKr15
Germany	DM3.5
Britain	£1.5
France	FF14
USA	US\$2
Canada	C\$2.5
Other non-European	\$2.5

سال چهارم، شماره ۳۸، تیر ۱۳۷۲

IN BRIEF

Spain

409 workers were killed in workplace accidents in Spain during the first quarter of this year. This was an increase of 1.3 per cent compared to the same period last year. During the past ten years 13 million industrial accidents have been recorded in Spain in which 16,278 people lost their lives and 135,000 were maimed.

USA

US coal miners stepped up their selective strike against US coal operators, stopping work at Peabody Coal mines in Illinois, Indiana, West Virginia and Ohio. Workers at four other mines are also to join the strike. The strike began on May 10 after the coal operators' association, BCOA, refused to guarantee that its companies would only employ unionised workers at their new mines. 1,000 coal miners in Australia went on a sympathy strike.

Germany

A new wave of job cuts has begun in west Germany, particularly in the auto industry. Volkswagen said that more jobs were to go in addition to the 12,500 planned for this year and 1994. The steel division of Thyssen announced that 9,000 workers would be laid off by the end of next year, instead of the 6,000 previously announced. A number of other major companies have announced further cuts.

Support Worker Today

YOU CAN subscribe to Worker Today and urge your union branches to take up subscriptions.

YOU CAN support us financially and ask your unions to make donations to Worker Today out of their assistance funds.

YOU CAN help distribute Worker Today in your area. YOU CAN give us technical assistance, e.g. computer hardware and software to speed up and improve our work.

YOU CAN send books and journals to Worker Today Book Club.

YOU CAN send us your articles and reports.

YOU CAN introduce Worker Today to colleagues and comrades.

YOU CAN tell us your views and suggestions about the paper.

Iran one of the most dangerous places for labour activists

Mehdi Ardi

THE annual report of the International Confederation of Free Trade Unions, pointing out some of the facts of repression against labour activists around the world, specifically names eleven countries as the most dangerous places for labour activists. Iran is one of the countries included in the list. According to the report, torture, imprisonment and execution of workers for defending their rights continues around the world. Workers are put out of work, humiliated and their integrity crushed by states using the latest torture techniques, just because they strive for better employment conditions.

In the past year 260 unionists were killed and 2,500 were arrested by various states and their secret police - the report says. In most cases the perpetrators have not even been prosecuted. Obviously the ICFTU report only mentions cases which could be

registered. The exact figures of the workers massacred should be looked for in the classified files of the secret police. The report also fails to mention the number of workers beaten up, burnt, assassinated and made to disappear. The number of workers persecuted and tortured, and those who are executed, is rising all the time. The report says 40,000 workers were fired because of their fight for a human life.

So far, 87 countries have violated workers' internationally recognised rights. Eleven of these are singled out as the most dangerous places, and include South Africa, Burma, China, Colombia, El Salvador, Guatemala, Malawi, Peru, Sudan and Iran.

These facts about the conditions for labour activists show that the process of democratisation in some of these countries has not only not led to improvements in the workers' conditions but that far worse problems are burdening the workers.

Wave of job cuts in Iranian industries

WT News Service:

The wave of job cuts, which has been rising particularly since the start of the new year (20 March '93) with the adoption of a uniform exchange rate and the practical implementation of Rafsanjani's economic programmes, continues to grow. According to statements by the government officials - who describe the cuts as "moderation in workforce" - even more lay-offs are on the way. The following are some of the most recent job cuts and related statements reported in the official press.

■ 12 large companies and the textile industries in the town of Varamin, south of Tehran, are on the verge of closure. A motor oil company has laid off 90 of its 100 workers.

■ 500 workers of Parchin defence industry plant near the town of Varamin have been laid off. According to official figures, so far 2,705 workers in the region have lost their jobs, of whom 590 were transferred to other units. Another company in the area, Kiasa, has laid off more than half its 260-strong workforce.

■ Workers at Parsilon factory in the southern city of Khorramabad, the largest producer of syn-

thetic fibres in Iran, are threatened with lay-off. The company is on the verge of complete shut down due to shortage of raw material.

■ 390 workers of Kerman vegetable oil factory are to be laid off. The company has remained shut for the past two months because of lack of raw material.

■ The governor of the north-western province of Azarbaijan said large-scale unemployment was threatening the region.

■ Gharibani, head of the labour and social affairs committee of the parliament, said: "The rising trend of lay-offs in the factories throughout the country is worrying". He said a proposal was in preparation which would make employers, who intended to fire their workers, to pay the equivalent of six months' of the employee's pay into a special job creation fund.

■ The president Rafsanjani said in a press conference in late May: "This scheme ['moderation in workforce'] was also discussed in the cabinet, and the labour minister was completely in favour of it. So far, no definite lay-offs have taken place. In the [plan], one of the steps that owners of industries will naturally take is to bring their capacity into line with the size of their workforce, so as to turn economical".

People's worth today is equal to their daily wage

Günter Wallraff, author of the celebrated *Lowest of the Low*, talked to *Worker Today* about his latest film on the condition of immigrant Iranian workers in Japan - page 15



Kurdish government retreats after first major showdown with unemployed workers

WT News Service:

During its first major confrontation with the unemployed workers in Kurdistan, the Kurdistan government backed down despite use of violence to intimidate the workers. A huge demonstration called for June 19 by the Unemployed Workers Union was called off at the last minute to avert a serious clash. The government retreated as officials conceded to part of the Union's demands and released the arrested activists.

Earlier in June, the Unemployed Workers Union's Suleymanieh branch in a statement had called on its members and the working people - both employed and unemployed - to take part in a demonstration on June 19 to force the Kurdistan government to

provide either jobs or unemployment insurance for the thousands of workers out of work, and to set aside necessary funds for the immediate distribution of foodstuffs and fuel to the people.

The call for demonstration came after months of efforts by the union and rounds of fruitless negotiations with government officials over the workers' demands, the statement said. Throughout this time the officials used all kinds of excuses to evade the calls and even went back on their own commitments and promises agreed earlier with the union.

The union's Arbil branch also issued a similar call for the holding of an assembly in front of the union's buildings on the same day.

Continued on page 14

Colombia brewery workers win after a 38-day strike

WT News Service:

A strike by 7,200 Colombian brewery workers over terms of contract won after 38 days. The workers had been calling for a general collective agreement covering all the workers in the industry, and for equalisation of terms and conditions in the companies concerned - writes *Norrskensflamman*, printed in Sweden.

The brewery owners, belonging to *Santodomingo* group, one of the strongest industrial groups in the world, had refused central bargaining with the union. The three unions in the industry have

now merged to form the new *Sinaltrabavaria* union.

According to the deal, wages in the different companies are to rise by up to 200% to bring them into line with those at Bavaria brewery. The same applies to bonuses and benefits. The most important victory was the abolition of Article 50 which allowed the employers to fire workers at any time, after payment of only a small sum. The union thus succeeded in including job security in the new contract.

Union leaders said that around 30,000 people in various ways participated in support of the strike.